

نامه
مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۳۷۱۶
شنبه ۲۳ آبان ۱۳۵۹ ، مطابق با
مهرم ۱۲۰۱ ، به ۱۵ ريال

توجه از جبهه جنگ نباید منحرف شود

مطبوعات ما باید مواظب باشد، افغان عمومی از مسائل جنگ به مسائل فرعی منحرف نشود.

(از گفته‌های امام‌خینی در دیدار با مسئول ستاد تبلیغاتی شورای عالی دفاع)

مبارزات سیاسی - اجتماعی خیلی شبیه به مبارزه در جبهه جنگ است. در جنگ وقتی یکنانی برای تصرف موضعی از دشمن، بست آن موضع می‌رزد و پیش می‌رود، دشمن از پهلو آن را زیر آتش می‌گیرد، تا یکنان جلب این آتش شود و سمت پیشروی خود را تغییر دهد. فرمانده و سربازان این یگان اگر آرموده و کار کشته باشند، جلب این آتش پهلوئی نمی‌شوند، قلب حرکت را کم نمیکنند، به حرکت خود بسوی موضعی که می‌بایستی تصرف کنند، پیش می‌روند، و ضمن این پیشروی بسوی هدف اصلی، فقط نیروی کمی را برای خنثی کردن آتش پهلوئی مصرف می‌کنند، آنهم برای تأمین امنیت از پهلو جهت انجام مأموریت اصلی، که تصرف موضع دشمن است.

در مبارزات اجتماعی - سیاسی نیز نباید جلب «آتش پهلوئی» شد. ضمن تصرف نیروی کمی برای خنثی کردن این «آتش پهلوئی»، باید عمده نیرو را در جبهه اصلی بکار برد و این جبهه اصلی، در شرایط کنونی، جبهه جنگ عادلانه با صدام، یعنی با نیروی تجاوزگر مسلحی است که بشعربك آمریکا بر کشور ما، برای شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تاخته است.

«آتش پهلوئی» بورژوازی لیبرال ایران شاید حساب شده و شاید از روی غریزه طبقاتی باشد، ولی در هر حال نتیجه مخرب آن یکی است. جنگ باعث تسریع تعمیق انقلاب، هم در جهت ریشه کن کردن بازمانده‌های نفوذ امری - یالیسپد ایران و هم در جهت ترفرت کردن بقیه در صفحه ۲

راه صدام، راه جلادان تاریخ است...

با ینک در غلظتین بیکر هر ایرانی دلوری که در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جان می‌بازد، رژیم جنایت پیشه صدام گام دیگری در غرقاب خیانت و جنایت بر میدارد و جای خود را در زیالهدان تاریخ بیشتر از پیشتر در کنار جلادان چون شاه شاهان، «دیتلر»، «هیتلر»، «میتلر»، «دوان تیو» و... استوار می‌کند! راهی که صدام می‌رود همان راهی است که جلادان تاریخ، از اسکندر و چنگیز تا هیتلر و پینوشه و محمدرضا پیسوده‌اند. بقیه در صفحه ۷

حجت الاسلام خامنه‌ای:

شیطان بزرگ آمریکا، اروپا و شیطان‌های متوسط و کوچک دیگر کمر به قلع و قمع جمهوری اسلامی و خط امام بسته‌اند

- * دولت فرانسه به دشمن ما کمک می‌کند و دولت‌های مرتجع منطقه، بعضی علناً، بعضی درخفا به ما خیانت می‌کنند.
- * روحانیت در فرماندهی جنگ دخالت ندارند، حتی شورای عالی دفاع هم نسبت به ارتش فرماندهی نمی‌کنند.
- * آنتانی که منتظر بودند جمهوری اسلامی مثل شمع خاموش بشود و از بین برود، خودشان خاموش می‌شوند و اثری از آنها باقی نمی‌ماند.

اسلامی و خط قرآن و خط امام بسته‌اند. بسیاری کسانی که می‌گویند تکبیره فریبده شما ضعیف اما این ملت میخواهد ثابت کند فرزند حسین است، دنباله‌رو راه حسین است. من به امام امت بعنوان یک مبارز عرض می‌کنم، ای امام بزرگوار روی این ملت حساب کنید این ملت، ملت فداکاری است. وی افزود درست است امروز اروپا هم در کنار آمریکاست، دولت فرانسه به دشمن ما کمک می‌کند دولت‌های مرتجع منطقه بعضی علناً، بعضی درخفا به ما خیانت می‌کنند اما بدانید که دشمن در حال ذوب شدن است، حجت‌الاسلام خامنه‌ای در قسمت دیگری از خطبه‌های نماز جمعه گفت: «باید دشمن یا افرادی که نسیانند و ناآگاهانه دشمنی می‌کنند در ذهن بعضی از افراد برجیر و بی‌اطلاع تریزیک کنند که چرا جوانان ما در میدان کشته می‌شوند، وقتی انسان دنبال یک ایده و آرمانی حرکت نمی‌کند زحمت هم نمی‌خواهد بکند، تلاش هم ندارد، فداکاری هم نمی‌خواهد» بقیه در صفحه ۷

طبق سند مهم لانه جاسوسی امریکادر تهران، که توسط روزنامه تشرین چاپ شد

ایجاد جنگ میان ایران و عراق از جمله آخرین طرح‌های امپریالیسم امریکا بمنظور براندازی جمهوری اسلامی ایران بوده است

شده قبل، یعنی تعریک سران عشایر، برانگیختن احساسات لیبونالیستی و قبیله‌ای، کمک کردن به برپا شدن جبهه‌های سیاسی چپ و راست در داخل ایران و مبعثر از همه شعله‌ور کردن آتش اختلاف و جنگ میان ایران و کشورهای همسایه ایران که اختلافات مرزی دارند، استفاده شود که البته در داخل تا حدودی زمینه‌ها برای آشوب و ناامنی در پاره‌ای از مناطق ایران فراهم شده است و اگر بهایر برنامه‌ها همزمان با جنگ‌های داخلی بقیه در صفحه ۲

روزنامه معتبر تشرین، چاپ دمشق، در شماره مورخ ۲۱ آبان ماه ۵۹ خود، فتوکپی یکی از اسناد مهم بدست آمده از لانه جاسوسی امریکا در تهران را کلیشه کرده، که در آن توطئه‌های دامنه‌دار امپریالیسم امریکا بمنظور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران طرح و تشریح شده است. در این سند، که خبرگزاری پارس مضمون آنرا مخایره کرده است، «ایجاد جنگ میان ایران و همسایگان آن که اختلافات مرزی دارند» بمنظور یکی از آخرین حربه‌ها برای ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران پیش‌بینی شده است.

مدافعان انقلاب، دشمن را از اطراف آبادان به عقب راندند

* پادگان بویان، پادگان حلبچه، تاسیسات نفتی فلو و گمرک صفوان و بندر ام‌القصر مورد حمله نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند

* یک میگ عراقی در پوشش سرنگون شد

کرده است که: مدافعان انقلاب در روز چهارشنبه در جنوب اهواز در یک عملیات هماهنگ در منطقه دپ هردان، ۴ تانک و یک خودروی دشمن را منهدم کردند. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی اطلاعیه شماره ۲۸۵ خود، عملیات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را طی روز چهارشنبه تا ۷ صبح روز پنجشنبه در داخل خاک عراق علیه تجاوززین بعضی چنین برشمرده است:

در این سند، که در پاسخ «نامه محرمانه قسمت سیاسی وزارت امور خارجه آمریکا مورخ خرداد ۵۸» تهیه شده و تاریخ تیرماه ۵۸ (۴ ماه قبل از فتح لانه جاسوسی آمریکا) را بر خود دارد و چندین بار عبارت‌های «بسیار مهم» و «خیلی سری» و «بسیار مهم و حساس» بر آن نقش بسته است، طرح‌های زنجیره‌ای و گسترده چنانچه کاران امپریالیست امریکائی برای انجام قتل انقلاب ایران، برشمرده شده است. در سند آمده است که: پنتاگون و سیه‌کلیه نظریات

لیبرال‌ها از کدام «آزادی» دفاع می‌کنند؟

در این روزها لیبرال‌ها - ناسیونال بورژوازی لیبرال ایران - که تریا بلافاصله بعد از سقوط رژیم استبدادی «آریامیری» سه بار به ۹ بار از انقلاب پشتیبان شدند، بیشتر از هر وقت دیگر «آزادی» خواستند و زیر پرچم «آزادی» به مبارزه برخاسته‌اند. این کدام «آزادی» است که آنها میخواهند؟ آزادی از قید وابستگی، یا آزادی برای حفظ وابستگی؟ آزادی مستغمان از ستم مستکبران، یا آزادی مستکبران به ادامه ستمگری بر مستغمان؟ آزادی زحمتکشان شهر و ده از قید استثمار یا آزادی کلان سرمایه‌داران و کلان زمین‌داران به ادامه استثمار زحمتکشان؟ آزادی بیان و عقیده و قلم و احزاب سیاسی برای همه اقشار اجتماعی و انقلابی، یا فقط برای خودشان؟ آزادی برای شرکت نمایندگان تمام طبقات ضامریالیست جامعه در حکومت، یا آزادی برای تصرف انحصاری حکومت توسط بورژوازی؟ آزادی برای مبارزات عقیدتی و ایثنو- بقیه در صفحه ۲

واقعیت بر «سوءظن» ناشی از تبلیغات امپریالیستی چیره خواهد شد

۱- انهدام بیش از ۹۰ درصد سایت استراک سمع پنتوین در شمال شرقی عراق،
۲- حمله به پادگان بویان در شمال شرقی عراق و نابود کردن بقیه در صفحه ۷

خلیان جوان ایرانی:

ما با مردم عراق نمی‌جنگیم و هرگز نقاط مسکونی شهرها را بمباران نخواهیم کرد

• افکار عمومی مردم ساده اروپای غربی بر اثر تجاوز عراق به ایران، بطور چشمگیری بسود ایران تغییر یافته است (از گفتگو با دو خبرنگار اروپائی)

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

طبق سندهم...

بقیه از صفحه ۱
 موفقیت آمیز از آب در بیابند، نیز به اجرای آخرین مرحله که همانا جنگ راه انداختن بین ایران و کشورهای همسایه ایران است، باقی نخواهد ماند، ولی اگر با شکست مواجه بشود چه راهی جز اجرای برنامه اخیر طبق تصمیمات اتخاذ شده نخواهد بود. این سند، بار دیگر این واقعیت را با سراحت و روشنی شکستناپذیری به ثبوت میرساند که، امپریالیسم امریکا دشمن کینه توز و هیبتکی انقلاب ایران است و تنها در صورتی آرام خواهد گرفت که یا انقلاب ایران را خرد و مضطرب سازد و حاکمیت و استکان خود را بر ایران تأمین کند و یا در برابر اتحاد و مقاومت و استواری مردم ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، با شکست قطعی و نهائی مواجه گردد.

توجه از جبهه...

بقیه از صفحه ۱
 خصلت مردمی انقلاب شده است. توده های میلیونی زحمتکشان و مستضعفان با فداکاری و از جان گذشتگی، چه در جبهه جنگ و چه در پشت جبهه، با قدرت وارد میدان نبرد انقلابی شده اند. جنبش طوفان آسای انقلابی توده های میلیونی، که بر اعصاب هرگونه سختی ناشی از جنگ، بمرکت آمده است، آرایش قوای انقلابی (توده های زحمتکش) و ضدانقلابی (بزرگ سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان) را مشخص تر کرده است. در این میان «هل» سازش بورژوازی لیبرال فرو میریزد و این نیرو با سرعت بیشتری از جبهه انقلاب به

آسوی «هل» میگریزد. باین دلیل است که نمایندگان سیاسی بورژوازی لیبرال به جنب و جوش افتادند و آتش از پهلو گشوده اند. این تحول - صرف نظر از فراز و نشیب آن در آخرین نتیجه بسود انقلاب «کوخ نشینان» و در جهت تأمین پیروزی قطعی باقی و بربرکت خط امام است.

حزب توده ایران، که در جبهه «کوخ نشینان» قرار دارد و از «خط امام» پشتیبانی میکند، نیک متوجه است که نباید جلب «آتش پهلوئی» شد: همه چیز برای جبهه جنگ و برای درهم شکستن متجاوزان

حزب توده ایران، نه در حرف، بلکه در عمل در این جبهه انقلاب قرار گرفته است. «توده ایها» در کنار دیگر برادران

و خواهران مسلمان انقلابی، در جبهه جنگ با از جان گذشتگی می رزمند. در پشت جبهه جنگ، هر آنچه از دستشان برمی آید برای تقویت جبهه جنگ، با فداکاری انجام میدهند. نه فقط آتش همت و اقترانی که از سوی ضدانقلاب و نیز از سوی بورژوازی لیبرال «پیشیان» از انقلاب بر روی «توده ایها» گشوده شده، بلکه حتی نامهربانیا و برانصافی - هائی هم که از جانب برخی از نیروهای مسلمان راستین انقلابی، ولی دچار پیشداوریا، نسبت به «توده ایها» روا می شود، کترین سستی و خللی در فعالیت اینارگانه «توده ایها» در جهت تأمین پیروزی قطعی و نهائی انقلاب، تأمین پیروزی قطعی و نهائی در جنگ، تأمین

پیروزی قطعی و نهائی «خط امام»، توانسته نمیتواند و نخواهد توانست بوجود آورد. حزب توده ایران هیچگاه جلب «آتش پهلوئی» نشده و نخواهد شد. ما در عمل، متوجه خود و امتقاد راستین خود و تهدید بر خسته خود را نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اثبات کرده و میکنیم. ضدانقلابها را بخوبی میشناسد و کین تیزی او نسبت بنا طبیسی و مغفوم است. یگنادر آن نیروهای راستین انقلابی دچار پیشداوریا نیز ما را، نه چنانکه دشمن ما را معرفی میکند، بلکه چنانکه هستیم، بشناسد. این بسود انقلاب در تمام جهات نبرد، چه امروز و چه فردا است، و قاطعیت و صداقت انقلابی آنرا ایجاب میکند.

لیبرالها از کدام...

بقیه از صفحه ۱
 لوزیک برای همگان یا آزادی برای تصرف انحصاری تمام رسانه های گروهی بقصد تبلیغ و تحمیل نظرات ایدئولوژیست سیاسی بورژوازی؟

قبل از تشریح و پاسخگویی به سئوالات فوق، بیجاست به نکته قابل توجهی اشاره کنیم. ما بارها گفته ایم و تکرار و تاکید کرده ایم که ما را با افراد و اشخاص کاری نیست و حب و بغضی به این و آن نداریم. ما حزب سیاسی هستیم و با «خط سیاسی» کار داریم. در روزهای اخیر، زیر فشار حوادث مشاهده شد که آن پراکندگی ظاهری بین نمایندگان بورژوازی لیبرال تا حدود زیادی از بین رفت، حتی اختلافات شخصی که بین برخی از آنها وجود داشت، کنار رفت و صف نمایندگان بورژوازی لیبرال مشخص شد. معلوم شد که این «خط سیاسی» است که گویندگان خود را عرضه می دارد. معلوم شد که این گویندگان میزنند مگلا یا مسم باشند. اکنون دیگر مشخص شدن دقیق و کامل «خط سیاسی» بورژوازی لیبرال ایران، که همه نمایندگان آن با «استدلالات» و شیوه عمل مبین هم گویی از آن دفاع میکنند، ما را از بردن در مواردی که گویند جملاتی نمونه وار بیان دارد، آنها برای سهولت در تبیین و تشریح مضمون مطلب، پس ضمن خودداری از بردن نام اشخاص به مطلب بپردازیم.

آن «آزادی» که بورژوازی لیبرال ایران می خواهد - در زمینه اقتصادی، آزادی برای حفظ وابستگی به غرب، یعنی به سرمایه داری امپریالیستی است. او معتقد است که ایران باید وابسته به سرمایه داری امپریالیستی باقی بماند و مدعی است که بدون این وابستگی، ادامه «حیات» ممکن نیست. این موضوعگیری در این جمله خلاصه و اعلام شده است که: «چون وابسته بودیم، به ناچار باید وابسته بمانیم!»

چرا در دوران حکومت مطلقه «آریامهری»، بورژوازی لیبرال ایران با «افراط» استبداد، مخالف بود؟ برای اینکه این «افراط» باعث شده بود که گروه معدودی از سرمایه داران کلان شریک درباریان، با تکیه به قدرت دربار، بتوانند «مهم» شیره را از غارت بیت المال و حاصل رنج زحمت

کشان، به بلعند و فقط سهم گریه را برای بورژوازی لیبرال از این غارت بگذارند. آنها «آزادی» را برای مغارت عادلانه از بورژوازی لیبرال سلب کرده بودند. این بود که بورژوازی لیبرال نامه شکواییه از «افراط» امپریالیست به نمایندگان رسمی پادشاه فداکاری، بود که «آزادی» را برای بورژوازی لیبرال رعایت کند و چون این تقاضا اجابت نشد، مبارزه در راه «آزادی» از طرف لیبرالها تا آنجا شدت گرفت که خواستار شدند شاه طبق قانون اساسی فقط سلطنت کند و نه حکومت، و آنکاه که اسواج خروشان انقلاب حکومت سلطنت «امپریالیست» را یکجا برد و به زباله دان تاریخ افکند، بورژوازی لیبرال راضی به «شرطیت بدون شامه» شد.

ولی انقلاب، که با محتوای ضد امپریالیستی (استقلال طلبانه) و مردمی (بسود مستضعفین) زیر پرچم اسلام انقلابی و به رهبری امام خمینی انجام گرفت، انقلاب که انقلاب «کوخ نشینان» علیه کاخ نشینان بوده، به روند خود ادامه داد و موضع کلان سرمایه داری وابسته را هدف قرار داد و بل وابستگی به سرمایه داری امپریالیستی در معرض خطر شکست قرار گرفت. بورژوازی لیبرال که متوجه شد با قطع وابستگی نخواهد توانست رشد کند، از انقلاب «پیشیان» شد و با تمام نیرو کوشید که از مرگ کلان سرمایه داری وابسته جلو گیرد، انقلاب را رترمز کند و راه سازش با امپریالیسم، بر سرزدگی آمریکا را هوار سازد.

«آزادی» لازم نیست و مسردم نامرئند!»، بورژوازی لیبرال به مبارزه خود برای حفظ وابستگی بدلیل وابستگی، برای حفظ سرمایه داری و بزرگ مالکی از گزند انقلاب «کوخ نشینان» برای حفظ میدان مبارزه سیاسی خود را بنام «آزادی» ادامه داد و میدهد. شاید بورژوازی لیبرال خواستار آزادی بیان و قلم و عقیده و اجتماعات و احزاب سیاسی است؟ عمل، و نه ادعا، روشن میکند که بورژوازی لیبرال آزادی را در این مقطع نیز فقط برای خود میخواهد و لاغیر.

در این زمینه از طرف حزب ما عمل آمده تحقق یافت. دیگر نیروهای راستین انقلابی نیز، بویژه مسلمانان انقلابی برخلاف ادعای موزیانه و تفرقه افکنانه تبلیغاتی بورژوازی لیبرال، نه تحت تأثیر «توده ایها»، بلکه تحت تأثیر تجربه خود و در جریان مبارزه دریافتند و هر روز بیشتر به این واقعیت اجتماعی - سیاسی معیتر و دقیقتر می میرند که بورژوازی لیبرال «اسب قروی سرمایه داری امپریالیستی» و کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی ایرانی درون «دزه» انقلاب ایران است. این دیگر «گناه» حزب توده ایران نیست. حاصل صداقت و قاطعیت نیروهای اسلامی راستین انقلابی بر ضد امپریالیسم و بر ضد کلان سرمایه داری وابسته و بزرگ مالکی است.

مگر این نمایندگان بورژوازی لیبرال نبودند که در دولت موقت مدعی بودند که همان «هوانین» دوران رژیم استبداد مطلق خونخوار سلطنتی باید نسبت به حزب توده ایران افعال کردها مگر اینان که امروز خواستار منظره آزاد و بر قید و شرط در رادیو - تلویزیون هستند، همانهایی نبوده و نیستند که بدوران ۸ ماه سرپرستی این تریبون بزرگ تبلیغاتی، هر دشنام و افترا و تهمت که خواستند بر ضد حزب توده ایران گفتند و انتشار دادند، بدون اینکه امکان دهند که حتی یکبار هم شده، گوینده ای از حزب فاء از رادیو - تلویزیون از خود دفاع کند! اینان که امروز یکباره عائق آن موادی از قانون اساسی موجد آزادیهای سیاسی عقیدتی شده اند، مگر نمیدانند که اکنون نزدیک ۴ ماه است که حزب توده ایران از آزادی استفاده از دفتر نامه «مردم» و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب محروم شده است! پس چرا لب از لب نمی گشایند که: «آقایان آزادیهای مصرح در قانون اساسی را رعایت کنید!»، همین چند روز پیش نامه «مردم» برای دو هفته از انتشار منع گردید. ولی هیچ لیبرال طرفدار «آزادی» خم به ابرو نیارود که سهل است، برعکس، بورژوازی لیبرال از نه دل شادمانه خندید، تا بناگوش دفتراهای خود را نشان داد، تنها به قاضی رفت و هر چه توانست دشنام و توهین و افترا علیه حزب توده ایران روی کاغذ ریخت. و این روش عادلانه آزادیخواهانه! همچنان ادامه دارد. و این سیاست ضد آزادی واقعی را لیبرالها نه فقط درباره حزب توده ایران، بلکه علیه هر نیروی انقلابی، ضد امپریالیستی و خلقی راستین اعم از مذهبی و غیر مذهبی، بکار برده اند و میبرند.

بورژوازی لیبرال با «انحصار» طلبی، مبارزه میکند، نه به خاطر مبارزه با انحصار طلبی، برای «آزادی» مبارزه میکند، نه برای

تأمین آزادی، بلکه برای انحصار آزادی برای خودتس و سلب آزادی از نیروهای سیاسی که با او مخالفند، برای انحصار قدرت حاکم در دست خویش و از این راه تأمین «آزادی» غارت سرمایه داری. آن «جامه یاز و آزادی» که بورژوازی لیبرال امروز مجدداً درخواست میکند، جامه «یاز و آزاده» فقط برای بورژوازی لیبرال سازشکار است. این همان «فضای یازی» است که بورژوازی لیبرال قبل از پیروزی انقلاب نیز می خواست بدان بستند کند. این جامه «یاز و آزاده» برای بورژوازی لیبرال، جامه ای بسیار تنگ و غیر آزاد برای توده های زحمتکش، برای مستضعفین، برای مبارزان راستین انقلابی استقلال طلب و آزادیخواه (اعم از مذهبی یا غیر مذهبی) است که در آن کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی میتواند سوار بر کرده مردم شوند، همو سهم را مجدداً از «بهره یازگران» بحساب استثمار توده های زحمتکش و خلق ستم کشیده ما، هواره فریه و فریبه تر شوند

و اما بویژه «گناه» حزب توده ایران از نظر بورژوازی لیبرال نابخشودنی است. «گناه» حزب توده ایران در اینست که همان فردای پیروزی انقلاب، در اسفند ماه ۱۳۵۷، پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب، نقش بورژوازی لیبرال ایران را نشان داد و مسیر حرکت او را در جریان رشد و گسترش و تعمیق انقلاب پیش بینی کرد. سپس گام به گام مضمون و هدف سیاست «گام به گام» را در همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظامی، تبلیغاتی، ایدئولوژیکی در معرض دید و قضاوت مردم قرار داد و هر پیش بینی که

کمک مالی به حزب توده ایران

یک وظیفه انقلابی است

۴. م. دبیرستان فاطمه امینی	۴۰۰۰ ریال
از غرب	۱۴۵۰۰ ریال
رضا کارگر جادسارو	۱۰۰۰۰ ریال
پویا، و از کرج	۵۰۰۰ ریال
کیوان	۲۰۰۰۰ ریال
بیتا از هامبورگ	۴۰۰۰ ریال
۱. پویا از ساری	۳۰۰۰۰ ریال
۲. و یکی از هواداران حزب	۱۰۰۰ ریال
۳. م. از سامان شهرکرد	۵۰۰ ریال
کمک ۴ نفر توسط آذر	۱۳۵۰۰۰ ریال
۴. ج. از بجنورد	۵۰۰۰ ریال

علاقتمندان میتوانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کرمنش وبه شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

درباره جنبش مقاومت فلسطین (۲)

جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین

کسردهای شمارمی آید.

درباره پانزدهمین اجلاس "تورای ملی فلسطین"

"انک" "جبهه" دمکراتیک خود را برای اجلاس آینده "تورای ملی فلسطین" عالی-نرس ارگان "سازمان آزادی بخش فلسطین" آماده می یارد. "تورای ملی فلسطین" منزله پارلمان فلسطین و از رستان ۱۳۵۸ به بعد دارای ۳۵۱ عضو است. در این اجلاس ما باید به مهم ترین پرسش های دوران ما پاسخ دهیم. در درجه نخست، لازست که قضانامه ۱۹۷۹ "تورای ملی فلسطین" را جامه عمل بیوشانیم و در سررس های ربر اشغال اسرائیل جنبش آزادی بخش ملی پدید آوریم، که متشکل از همه مارزان علیه ارتجاع و ادامه دهنده سیاسی و سکولاری "سازمان آزادی بخش فلسطین" در مناطق اشغالی باشد.

درباره "ابتکار" کشورهای اروپای باختری "اجلاس" "تورای ملی فلسطین" باید به تعویق "جبهه" یاداری اعراب "کک رساید و به سطح همه نیروهای عرب، که علیه تباهی های "کمپ دیوید"، مذاکرات دربار "خود مختاری" و فرار داد خیانکارانه ای، که آذات به امضای آن تن درداد، مبارزه میکند. همسرورد. همچنین باید درباره "ابتکار" گوناگونی موضع گرفت، که کشورهای اروپای باختری در حال حاضر از طریق آنها می خواهند تانی های "کمپ دیوید" را "تکمیل" کنند. امید آنها اینست که از این راه این دسه ها را از سر بی برهاند.

اجلاس "تورای ملی فلسطین" همچنین باید با برخی از تلاش های "جابه اروپا" به مقاله بریزد، که می خواهند اردن، محافل ارجاعی فلسطین و عربستان سعودی را به سر مذاکره بکنند و از این راه هدف های نسیم-طلانه، امپریالیسم را در حاور صباه برآورده سازند. امپریالیست ها ما بلند سیاست "کمپ دیوید" را ادامه دهند. آنها قصد دارند که تباهی های ناسرده را در سته بندی جدید ارائه دارند و بدون آنکه از "کمپ دیوید" نام ببرند. در واقع برنامه "کمپ دیوید" را اجرا کنند.

درباره مناسبات با کشورهای سوسیالیستی

"من ایمان دارم که اجلاس "تورای ملی فلسطین" در قضا نامه ای توسعه، مناسبات "سازمان آزادی بخش فلسطین" را با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی خواستار خواهند شد. این مناسبات دارای اهمیت اسرائیل است و یکی از شرایط اساسی بیکار موقعیت آمریکا در حاور نزدیک تشکیل میدهد.

درباره متی کنونی اسرائیل

"بظن می رسد که دولت اسرائیل اصحاب خود را از دست داده است. اختناق و سبخی در سرسپای اتعالی برقرار شده که بویزه علیه شخصیت های ملی، از جمله شهردار های شهرها و فریه های عرب نشین متوجه است. (اسرائیلیها) ایما "سیاست پنجه آهنین" می نامند و برای پیشبرد آن حتی به قوانین اضطراری توسل می جویند. که استعمار بریتانیا به هنگام اشغال سیه ما در سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷) وضع کرد.

همچنین باید در برابر نقشه های که حزب باصطلاح مخالف بگین، یعنی "حزب کارگر" به رهبری شیمون پریز، تدارک دیده است، هشار بود. بموجب این نقشه ها، اردن باختری و سوار مزه به دوش تقسیم خواهند شد. یک بخش به اسرائیل الحاق می یابد و در بخش دیگر، که اردن آن را تصاحب خواهد کرد، یک باصطلاح "مدرسون اردن - فلسطین" به رهبری شاه حسین تاسیس خواهد کردید. بدین ترتیب، فلسطینی ها ارجح بنیانگذاری حکومتی مستقل محروم خواهند ماند.

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

واقعیت بر «سوء ظن» ناشی از تبلیغات امپریالیستی چیره خواهد شد

تبلیغات امپریالیستی طی چندین ده سال در متن جامعه ما بوجود آورده است، در جامعه ما باقیست. واقعیت این "سوء ظن موجود" آریزمه ساعدی است که اخبار جعلی از نوعی که برترندیم-وبه طور کلی تبلیغات ضد شوروی در جهت ایجاد تیرگی در رابطه جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی، می تواند حتی در برخی محافل انقلابی راستین کشور ما اثر بگذارد.

در اینجا لازم است به این نکته مهم اشاره کنیم که مرفق است پس آن عناصری که عالم ما و امثال تبلیغات ضد شوروی امپریالیستی را در کشور ما، به قصد ممانعت از گسترش روابط دوستانه بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای دوست و حامیان صدیق آن، بویزه اتحاد شوروی، به قصد اجسرای "خط برزنسکی"، برای ایجاد تیرگی روابط بین دو کشور، به قصد "تضعیف مواضع خارجی رژیم خمینی"، منتقل می کنند و در اتاعا می کوشند، با آن عناصر انقلابی راستین ضد امپریالیستی و استقلال طلب، که ناخواسته، به دلیل "سوء ظن" هنوز موجود، که قلب اخبار جعلی امپریالیستی - صهیونیستی ضد شوروی برهمه چون سکه نقد می بینند، اگر واقع بینانه چنین مرفق مهمی را در نظر نگیریم، آنگاه در حل این "معما" دچار بیست خواهیم شد، که چاره نوز اخبار جعلی و تبلیغات مسموم ضد شوروی امپریالیستی در ایران ما، که انقلاب ضد امپریالیستی (استقلال طلبانه) و خلقی (به خود مستضعفین) خود را به پروری رسانده، به فقط "فروشنده"، بلکه "خریدار" دارد.

ولی واقفیت سر سخت نژاد نهنیات است، و می توان اطمینان داشت که بتدریج واقعیت دوستی اتحاد شوروی نسبت به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، پدار های ذهنی ناشی از "سوء ظن موجود" را بر طرف سازد و به تمام طیف نیروهای راستین انقلابی ناست شود که اتحاد شوروی دوست حلو ما و همه حلقه های جهان است.

این واقعیت را حلقه های بسیاری از کشورهای رها از طقه اسارتگر امپریالیسم، ملی رفم تبلیغات زهر آگین امپریالیستی صهیونیستی، به تجربه، شناخته اند، از جمله کشورهای مسلمان نظمیر الحرابر، سوریه، لیبی، یمن دمکراتیک و جنبش آزادی بخش فلسطین که با قدرت در برابر امپریالیسم ایستاده اند و به "جبهه یاداری" در برابر امپریالیسم و صهیونیسم مروفند.

در همه این کشورها، از جمله کشورهای مسلمان "جبهه یاداری"، به هنگام و در آغاز پسرورزی انقلاب رهائی بخش و استقلال طلبانه، ابتدا "سوء ظن" ناشی از تبلیغات دراز مدت امپریالیستی نسبت به اتحاد شوروی "موجود" بوده است، ولی نسبت به اتحاد شوروی و طی نبرد با امپریالیسم و صهیونیسم به تجربه دریافته اند که اتحاد شوروی، بر سنای سیاست اصولی و تغییر ناپذیر خود، دوست و حامی صدیق و بی عرض آنها در مبارزه ضد امپریالیستی برای قطع هرگونه وابستگی و تاسیس استقلال کامل و واقعی آنهاست.

می توان اطمینان داشت که در کشور ما نیز، آن نیروهای راستین انقلابی که بدرتی امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا، رادشمن اصلی و همیشگی انقلاب و استقلال واقعی جمهوری اسلامی ایران شناخته اند، به تجربه دریافته اند که اتحاد شوروی پشتیبان متعهد انقلاب و استقلال واقعی و کامل خلق و کشور ما و همه دیگر حلقه ها و کشورهای جهان است.

چند روز پیش، خبرگزاری ناس - خبرگزاری رسمی اتحاد شوروی، "خبری" را مبنی بر این که گویا کارشناسان شوروی در عملیات نظامی عراق شرکت دارند، دروغ محض اعلام کرد و آنرا به شدت تکذیب نمود. این "خبر" را - ناگفته پیدا است - دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی اختراع کرده بود و متاسفانه پاره ای از رسانه های خبری ایران نیز آنرا نقل کرده بودند. چندی پیش نیز - چنان که می دانیم - "خبر" دیگری در دستگاه جعل اخبار تبلیغاتی امپریالیستی صهیونیستی ساخته و به وسعت پخش و به رنگ های مختلف اتاعا داده شد، مبنی بر این که گویا شوروی از خلیج عقبه در اردن، اسلحه به عراق می فرستد. این "خبر" سر از سوی خبرگزاری ناس، و ساوا به شدت تکذیب شد.

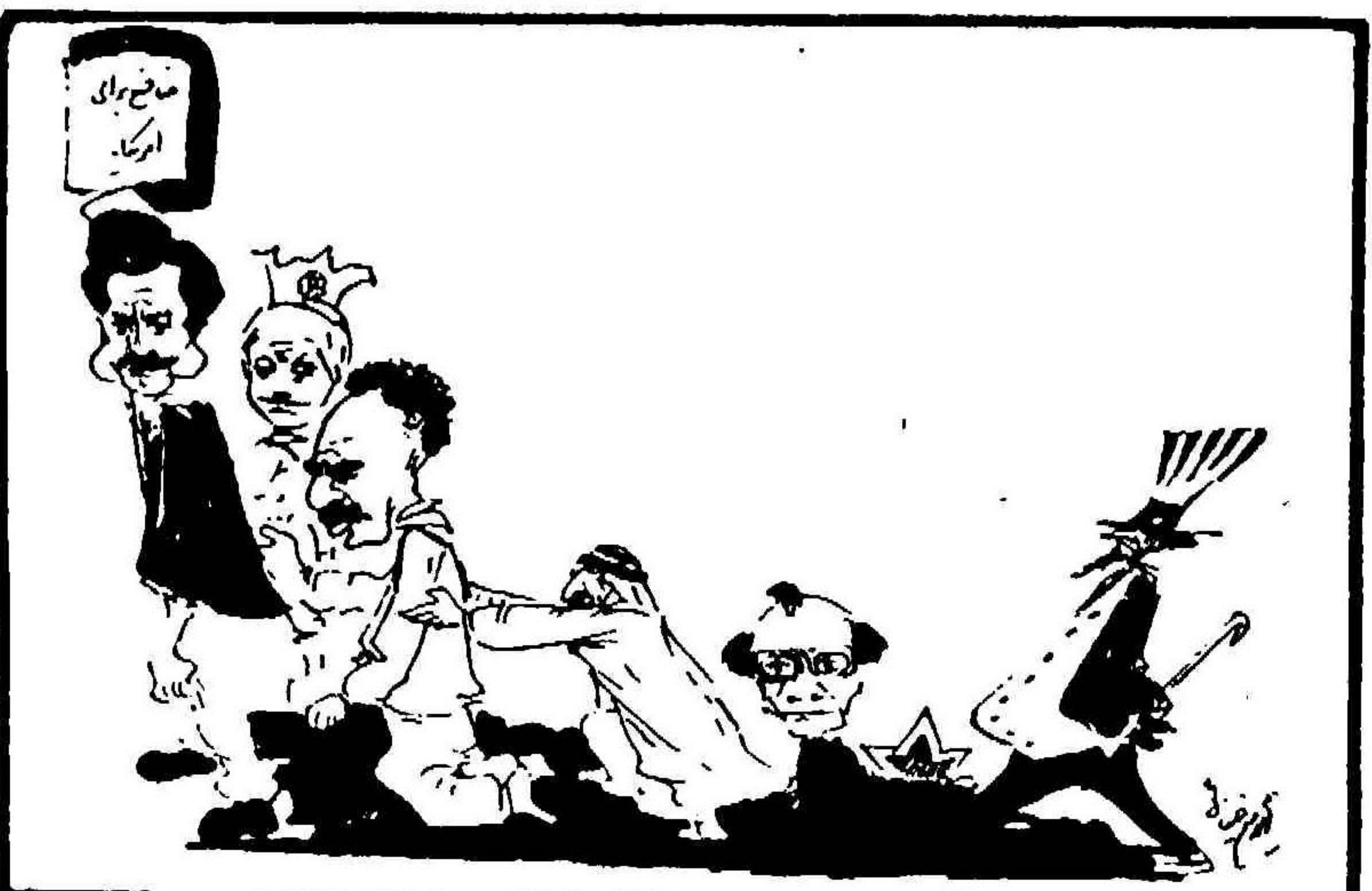
بخطار داریم که سناریوی معروف به "نبریز - مکرکوک"، که متاسفانه به هدف اصابت درد و سحر به نسیم یادداشت اعتراضی از سوی وزارت خارجه به دولت شوروی شد، مبنی بر "دو پام ساحکی بود: یکی جعل سندی با مهر جعلی، که در نبریز بوسله ساواکی ها پخش شد (بعدا ضمه فائز و امضا) شد) و دیگری جعل خبری توسط خبرگزاری فرانس پریس، که طبق آن گویا کاردار شوروی در مکرکوک سخاسی مداخله گرانه در امور داخلی ایران گفته است، که این خبر جعلی نیز از طرف ناس - خبرگزاری رسمی اتحاد شوروی - تکذیب شد.

چرا چنین اخباری از سوی دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی - صهیونیستی حمل و پخش می شود؟ پاسخ روشن است، و این پاسخ را در دستور العمل رئیس جمهور آمریکا، که توسط برزنسکی به وزارت خارجه آمریکا ابلاغ شده و متن آن در ۱۵ مرداد سال گذشته توسط رئیس جمهور اسلامی ایران فاش و در مطبوعات کشور ما درج شد، می توان یافت.

در این دستور العمل، که می بایستی مفاد آن را وزارت خارجه آمریکا، وزارت جنگ آمریکا و سازمان "سیا" - سازمان مرکزی جاسوسی آمریکا، درهم آهنگی باید یکدیگر اجرا کنند، تصریح شده بود که، باید "سوء ظن" موجود بین جمهوری اسلامی ایران و همسایگان آن، بویزه اتحاد شوروی برادام زد، تا بتوان روابط آنها را تیره ساخت و به حمایت شوروی از جمهوری اسلامی پایان داد، زیرا پایان حمایت شوروی از "رژیم خمینی" باعث تضعیف مواضع خارجی جمهوری اسلامی ایران خواهد شد و آن را ضربه پذیر خواهد ساخت.

بنابراین هدف از جعل "اخباری" که سبه سونه مشخص رسا تکذیب شده آنها را دکر کردیم، هدف سیاسی شخصی است: پایان دادن به حمایت شوروی از جمهوری اسلامی ایران! باید اذعان کرد که "شیطان بزرگ"، که متن انگیزی را خوب بلد است، می داند که همسایه بزرگ شمالی ما، نیرومندترین حامی انقلاب رهائی بخش و ضد امپریالیستی ایران است، می داند که، اگر بتواند جمهوری اسلامی ایران را از این حمایت محروم کند، گام بزرگی در راه دسترسی به هدف خود - ایجاد شرایط برای درهم شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران - برداشته است.

و نیز باید اذعان کرد که: متاسفانه هنوز آن "سوء ظن موجود" نسبت به اتحاد شوروی که



اخبار کارگری

کارگران کوره پزخانههای کرمان: ما به پیروزی بر آمریکا ایمان داریم

اطراف شهر کرمان را صدها کوره آجرپزی فراگرفته است و هزاران کارگر در شرایطی جهشی در آنها مشغول کار هستند. در شمال شهر، در کنار کوره های تعطیل شده و متروک، کوره های نیز وجود دارند که مشغول کارند و همه روزه با زدم زهرآلود خود را بروی شهر می پاشند.

کوره آجرپزی ایرانمنش، که در میان خانم های مسکونی قرار گرفته، یکی از آنهاست. این کوره در حال حاضر حدود ۲۵ کارگر دارد و روزانه حدود ۲۵ هزار آجر تولید می کند. درجه بهره کشی با نرخ اضافه ارزش در اینجا حدود ۲۰۰ درصد است. یعنی کارفرما دو برابر مجموع دستمزد کارگرانش درآمد دارد. (هر هزار آجر ۲۲۰ تومان به فروش می رسد، در حالی که برای تولید آن مجموعا کم تر از صد تومان به کارگران پرداخت می شود.)

کارگران خست زن، که الان تقریبا اصل کارشان تمام شده است، کسرتانی کاری می کنند و برای تولید هر هزار خشت ۷۰ تومان می گیرند. هر کارگر روزانه (از طلوع تا غروب آفتاب) حداکثر ۱۵۰۰ خشت می زند. کارگران دیگر روز مزد هستند و اکثرا حدود ۸۰-۷۰ تومان دستمزد دریافت می کنند.

پیرمردی که ۲۵ سال در کوره ها کار کرده، درازا یک روز کار ۸۰ تومان می گیرد و کار او باریدن ماشین است. به همکار دیگر او ۷۰ تومان دستمزد دارند. هر یک از این چهارس در هر ماه بین ۱۰۰۰ عدد آجر بازمی زنند و روزانه این عمل را ۸-۱۰ بار تکرار می کنند.

هیچ یک از مزایای قانونی به کارگران داده نمی شود. آنها حتی از داشتن یک جفت دستکش که برای آنها بسیار ضروری است محرومند و به این دلیل در حقیقت آنها کار راهبره شکنجه انجام می دهد.

بسیار جالب است که در این کوره خشت ها را با الاغ به کوره حمل می کنند.

در نزدیکی کوره ایرانمنش، ۲ کوره دیگر وجود دارد، که یکی را کوره طباطبایی و دیگری را کوره تقی زاده می گویند. در کوره تقی زاده حدود ۲۰ کارگر کاری می کنند، که ۷ تن از آنان به خشت زنی مشغولند. ۳ نفر آنها کوره سوره هستند و بقیه مشغول حمل خشت به کوره، خارج کردن آجر از کوره و باریدن آن به ماشینها هستند. چند پاکستانی هم در این کوره کاری می کنند. بیشتر کارگران روزمزد روزانه ۸۰-۷۰ تومان مزد می گیرند.

پیرمردی ۶۰ ساله، درازای کار از طلوع تا غروب آفتاب درجه پنجم کوره ها، روزانه ۶۵ تومان می گیرد. او برای این که نشان دهد که سوجت کوره را چگونه در داخل آن می ریزد، در سوراخی را باز کرد و ناگهان دودی غلیظ از آن بیرون جهید. ولی این امر برای پیرمرد عادیست، زیرا او همیشه این دود غلیظ را به جای هوا تنفس میکند. در مورد مزایای قانونی از او می پرسیم. از جوابش معلوم شد که قانون را راهی به این جنگل جهشی نیست.

پیرمرد سخت دلخور است که نمی تواند به جبهه جنگ با عراق برود و در جواب استدلال همکارش می گوید:

"بالاخره در جبهه به یک دردی می خورم و کاری پیدا میشود که من انجام دهم."

او به پیروزی بر عراق و آمریکا مطمئن است. همکار او (کارگر دیگر کوره سوره) که جواب حدود ۲۲-۲۰ ساله، ۸۵ تومان در روز دستمزد می گیرد و دفترچه بیمه هم دارد (او ار حدود کارگران کوره پزخانه است که دفترچه بیمه دارد) ولی از مزایای قانونی دیگر نظیر اضافه کار، دستمزد ایام تعطیل، مرخصی سالانه، حق مسکن حق اولاد، لباس کار و... بی نصیب است.

کارگران این کوره پزخانه ها در جبهه های که در نزدیکی کوره ساخته شده است زندگی می کنند و حتی آب آشامیدنی را مجبورند از سامی رباد به خانه بیاورند و شب و روز باید با زدم زهر آلود کوره ها را همراه گردو خاک که بر آن امروده می شود نفس می کشند.

کارگران کوره های آجرپزی کاشان:

ما هر چیزی را که در قانون به کارگران تعلق می گیرد، می خواهیم



هر روز از صبح تا غروب آفتاب کار می کنند!

در اس کارخانه آجرسفال تعداد سی و سه کارگر در فضاهای فابریک، حرج کسی، آجرچی و آنتکار کوره کاری می کند. با یکی از کارگران آنتکار گفتگوی دانسم. علی، کارگر آنتکار سی و سه ساله، با سی و دو سال سابقه کارگری، گفت:

"حدود نهمال است اینجا کاری کم و حالا با دوازده ساعت کار روزی صد و پنجاه تومان مزد می گیرم."

علی تنها کارگر سه کارخانه است. او برسدیم: حطوبو بواسی سهوی! گفت:

"فلا در تریک "مک" در اصفهان کار می کردم و از سال ۱۳۵۰ بیمه هم. در سال گذشته برای بیمه شدن مجدد به اداره کار مراجعه کردم و با پیگیری توانستم به نتیجه برسم."

از او پرسیدم: چرا به کارگران سه بیمه می دهند؟ گفت:

"اولا کارگرانی که بخواهند از مزایای بیمه استفاده کنند، کارفرما فوراً بیمه به اجراج آنها می گیرد. نایباً اداره کار بیمه برای بیمه کردن کارگران هیچ اقدامی به عمل نمی آورد."

اروضع خانواده ای جواندم، گفت:

"خودم اهل آذربایجان هستم و خانواده ام در اصفهان زندگی می کنند. من با خانواده ام در مجموع پنج نفریم و در اصفهان یک خانه کوچک صد متری داریم که برره نانک راه کارگران است و از سال ۵۲ تاکنون ماهی چهارصد تومان قسط می دهیم. چون در اصفهان کاری پیدا نکردم، اجاره خانه کاشان آمدم."

او ما را به کمک خود برد. که ماندن او را اوله زندگی بود. و گفت:

"این هم بهداشت ماست."

از او پرسیدم: جوانسبب است و چه بسببهای در مورد راه کارگران کوره پزخانه داری؟ در پاسخ گفت:

"ما هر چیزی را که در قانون به کارگران تعلق می گیرد، می خواهیم. مثل حق تعطیل جمعه و تعطیلات رسمی، مرخصی سالانه، حق اولاد، حق خواربار، اولین کاری که باید انجام شود، تعیین ساعات کار مشخص برای کوره پزخانه ها است. ما از صبح زود تا شب باید کار کنیم. هنوز انقلاب به اینجا رسیده است."

جنید، کارگر آنتکار در کارخانه، که اهل مرند است، سردرد لیس دارد و گفت:

"در مرند به اتفاق خانواده ام کشاورزی می کردیم، و چون بیگار شدیم، به کاشان آمدم. من باید در غربت کار کنم، مخرج خواهر و برادران کوچکم را بمانم کم."

هر چه که کارگرانی کوشا از هر مطلب است رسان دهنده است. کارگران آمریکایی خود را در آمریکا می بینند و کارگران راه روستاها سانه است. اکنون که انقلابی در میان ما علیه برکوریست در کارخانه ها، می امرالسم آمریکای خود تمام حریفان دارد. به حق کارگران انتظار دارند که مسئولین به اذعان برسند."

از شکراله در مورد وضع حقوقی و کارش پرسیدم. در پاسخ گفت:

"از صبح تا غروب آفتاب، یعنی چهارده ساعت کار می کنم و برای نهار کم تر از یک ساعت دست از کاری می کشم. برای هر هزار آجر سیصد و سی ریال مزد می گیرم. حتی ضایعات کار (آجرهای شکسته) جزو کارمان محسوب نمی شود. بجز این مزد، هیچ چیز دیگری ندارم، نه مسافرانه، نه تعطیلی، نه مرخصی، نه بیمه، نه بهداشت، نه وسایل زندگی."

شکراله دستهای ترک خورده ای را که می لرزید، نشان داد و گفت:

"نه دستکش داریم و نه لباس کار. ما حتی برای تهیه غذا مجبوریم به شهر برویم و در مقابل همین وقتی که صرف خرید غذا از شهر می شود، از مزد محرومیم. در این بیابان بجز آتش و آجر و کوره هیچ چیزی پیدا نمی شود."

اروضع مسکن شکراله پرسیدم، گفت:

"کارفرما برای هر دوسه نفر کارگر یک اتاقک لخت و بدون هیچ وسیله ای روی سقف کوره ساخته است. در اینجا از بهداشت خبری نیست. ما مجبوریم همیشه با آب سرد خودمان را بشویم. اتاقکمان در تابستان داغ است و هیچ وسیله خنک کننده ای ندارد و در زمستان هم از شدت سرمای لرزیم."

از شکراله پرسیدم خواست نوجیب، در پاسخ گفت:

"خدا عمر امام خمینی را زیاد کند که به داد ما برسد."

حسن، یکی از کارگران چرخش، حرفهای شکراله را تایید کرد و گفت:

"من مدت بیست سال است که در کوره پزخانه های کاشان و بابل و کاشان کاری می کنم. وضع من هم مانند شکراله است. از زندگی هیچ چیزی ندارم."

از او پرسیدم: جوانسبب است و چه بسببهای در مورد راه کارگران کوره پزخانه داری؟ در پاسخ گفت:

"ما هر چیزی را که در قانون به کارگران تعلق می گیرد، می خواهیم. مثل حق تعطیل جمعه و تعطیلات رسمی، مرخصی سالانه، حق اولاد، حق خواربار، اولین کاری که باید انجام شود، تعیین ساعات کار مشخص برای کوره پزخانه ها است. ما از صبح زود تا شب باید کار کنیم. هنوز انقلاب به اینجا رسیده است."

جنید، کارگر آنتکار در کارخانه، که اهل مرند است، سردرد لیس دارد و گفت:

"در مرند به اتفاق خانواده ام کشاورزی می کردیم، و چون بیگار شدیم، به کاشان آمدم. من باید در غربت کار کنم، مخرج خواهر و برادران کوچکم را بمانم کم."

هر چه که کارگرانی کوشا از هر مطلب است رسان دهنده است. کارگران آمریکایی خود را در آمریکا می بینند و کارگران راه روستاها سانه است. اکنون که انقلابی در میان ما علیه برکوریست در کارخانه ها، می امرالسم آمریکای خود تمام حریفان دارد. به حق کارگران انتظار دارند که مسئولین به اذعان برسند."

از او پرسیدم: جوانسبب است و چه بسببهای در مورد راه کارگران کوره پزخانه داری؟ در پاسخ گفت:

"ما هر چیزی را که در قانون به کارگران تعلق می گیرد، می خواهیم. مثل حق تعطیل جمعه و تعطیلات رسمی، مرخصی سالانه، حق اولاد، حق خواربار، اولین کاری که باید انجام شود، تعیین ساعات کار مشخص برای کوره پزخانه ها است. ما از صبح زود تا شب باید کار کنیم. هنوز انقلاب به اینجا رسیده است."



در این بیابان جز کارگران آنتکار سوخته هیچ نیست!

دهقانان عباس آباد مشهد: بایبل وداس به جنگ این صدام آمریکایی می‌رویم

روستای عباس آباد در شمال شرقی مشهد واقع است. فاصله این ده تا مشهد حدود ۳۲ کیلومتر است. که ۲۰ کیلومتر آن جاده آسفالته ۱۲ کیلومتر جاده خاکی است. این روستا دارای جمعیتی در حدود ۵۰ خانوار است که اکثر آنها را دهقانان بی زمین و کم زمین تشکیل می دهند. هم اکنون که کشور عزیز ما مورد هجوم صدام امپریالیسم آمریکا - رژیم جلا و خیانتکار صدام حسین قرار گرفته است، روستائیان عباس آباد برای مبارزه با این متجاوزین اعلام آمادگی کرده اند، آنها می گویند:

"خیلی مایل هستیم آموزش نظامی ببینیم و در هیچ نسبت نام کنیم، ولی تاکنون از بسیج مستضعفین به این روستا نیامده اند. ما ۲۰ جوان در این روستا داریم که حاضرند با آمریکا و رژیم متجاوز و مزدور صدام حسین تا آخرین قطره خون خود بجنگند و در راه میهن و انقلاب خود شهید شوند.

دهقانان عباس آباد برای آن که متت محکمی به امپریالیسم آمریکا و جنگ افروزان و ضد انقلاب داخلی زده ما شد، و برای تولید محصول بیشتر، با جدیت زیاد زمین ها را به زیر کشت برده اند، آنها امسال ۱۵۰ هکتار آبی و ۳۰ هکتار سبزی را کاشته اند. آنها به درستی می دانند که جهادشان هم در حبه جنگ است هم در کشتزار. روستائیان در ده مشغول آرد کردن گندم هستند. تا آرد و تعدادی گوشت و دیکر کتک های خود را به "سادکترسانی به مناطق جنگ رده"، واقع در جهاد سازندگی مشهد، تحویل دهند. یکی از روستائیان می گفت:

"اگر این دولت متجاوز بر جای خود ننشیند همان بلایی را که بر سر رژیم شاهنشاهی آوردیم بر سر این مزدور هم خواهیم آورد و بایبل وداس به جنگ این صدام آمریکایی می‌رویم."

صدام حسین، این دستیار امپریالیسم آمریکا باید بداند که موجب موجب خاک سپهر سر بر ما گورسان متجاوزان و مزدوران آمریکا خواهد شد. دهقانان و کارگران میهن ما آرد در بارو حلو هجوم محاسران صدامی را خواهد گرفت. حای آن دارد که هم اکنون سبج مستضعفین مشهد به طور انحصاری و احساناً پاک روستائیان عباس آباد حوالت دهد و برای آموزش اسس دهقانان رحمتکش هر چه زودتر اقدام کند. و سر مسئولین متعهد با اقدامات سیاسی خود در جهت حل مسئله روسی، این سبک روستا را آزاد، استقلال، جمهوری اسلامی را محکم کند تا محصول بیشتر تولید شود و همانند متت محکمی بوطنهای آمریکا را درهم شکند. بهر مورد ما هم خمینی جهاد کثرتوری این است که کثرتوری را فریاد کند و کشت راز آباد کند، نادیگر محتاج نباشیم.

روستائیان مبارز کهریز - خواست ها و امکانات آنها

در ۳ کیلومتری جاده ارومیه - سلماس، روستای کهریز، که ۸۰ کیلومتر از ارومیه فاصله دارد، قرار گرفته است. در این روستا ۲۵۰ خانوار دهقانی، یعنی تقریباً ۲۵۰۰ نفر زندگی می کنند. در حالیکه در این روستا ۱۵ نفر پیشه ور و حدود ۱۰۰ خانوار در ده بی زمین هستند. ۲۰۳ نفر، قسمت وسیعی از اراضی را در دست خود دارند.

دهقانان برای تولید بیشتر و تامین احتیاجات مردم به غلات و حبوبات و انواع میوه، به بند و کود احتیاج دارند. ولی هنگامی که برای تهیه بند و کود و مواد دفع آفات به شهر روی می آورند، واسطه ها و دلالان دست از گریبان آنها برنبردارند لذا آنها مجبور میشوند که بند و کود را به قیظهای گزاف بخرند. بیلاره، برای بکنز بردن صحیح کود و دفع آفات نیز به آنها آموزش لازم داده نشده است و بعلت فقر و نبودن امکانات از ماشین آلات کشاورزی نیز بطور محدود استفاده میشود. دهقانان طلب می کنند که در موارد مذکور کمکهای موفقی به آنها انجام گیرد، تا بتواند محصولات ضروری را برای کشور انقلابی خود، که در معرض تهدید آمریکا قرار دارد، تولید کنند. زنان روستا ضمن تحمل بار سنگین خانه داری و پرورش بچه ها، به کارهای مختلف کشاورزی از قبیل: دامداری، وجین کردن و غیره اشتغال دارند.

دخترها بخصوص از تحصیل کردن محروم هستند. در ده فقط یک دبستان پنج کلاسه وجود دارد. در گذشته بعلت نبودن مدرسه راهنانش، اکثر دانش آموزان ترک تحصیل میکردند، اما امسال توسط جهاد سازندگی مدرسه راهنانش ساخته شده است. در دبستان این روستا دوازده نفر معلم بایستی تدریس کنند. اما خبری از آنها نیست.

این روستا برق ندارد و نارسائیهای بهداشتی موجب شیوع انواع مرضها میشود. اهالی این روستا در جریان مبارزه با رژیم منحوس پهلوی از خود فداکاریهای قابل توجیهی نشان داده اند. آنها در مقابل زندانیانی که میخواستند اهالی را برای طرفداری از شاه ملعون به تظاهرات وادارند، شدیداً مقاومت میکردند. بیشتر اهالی با سن و سال

دست جنایتکاران از جان روستائیان کوتاه!

قبل، به منظور ارباب اهالی روستا، فردی را از ناحیه سر مجروح کردند. ولی با وجود شاهدین، پزشک قانسوزی کرج اینطور تشخیص داد که این فرد از موتورسیکلت زمین خورده است.

روستائیان به نخصت وزیر صوری مراجعه کردند و نسبت به کار شکنی در محاکمه اعتراض نمودند.

یکی از اهالی روستا می گفت: "زندانی قزل حصار برای این چهارتن مثل خانه شخصی است. آنها در این زندان همنفوذ دارند و ممکن است که از زمین زندان آزاد شوند". روستائیان قاسم آباد قبا خواهان کوتاه کردن دست عوامل مستکبر در روستائیان هستند. یک دهقان پسر می گفت:

"درده ما هنوز مستکبرها هم زندگی می کنند. دولت باید دست این مستکبرین را از زندگی ما کوتاه کند".

روستائیان این دهکده انتظار دارند که محاکمه این چهارتن بصورت انقلابی انجام گیرد و محاکمه انسان محاکمه. تمام مستکبران روستائیان باشد و امر واگذاری زمین بدون کار شکنی و خارج از نفوذ این عوامل مسل ادا می باید.

در شرایط نبرد رویا روی با اعمال صدام حسین، که از حمایت فتووالها برخوردار می شوند، انجام این محاکمه در واقع ضربتی خواهد بود به یک پایگاه امپریالیسم جنایتکار آمریکا ولشکریان تجا وزکا رمدام. انجام این محاکمه مف دهقانان را در پشت سر انقلاب و جمهوری اسلامی متحدتر و فشرده تر خواهد ساخت.

زمینهای مزروعی روستای قاسم آباد قبا، واقع در ۶ فرسخی کرج به سمت قزوین، پیش از انقلاب اکثریت متعلق به مالکی بود که کسی دوران انقلاب، به اتفاق سایر خویشان خود به اسرائیل رفت. زمین های این شخص را هیئت هفت نفری، که از طرف دولت تعیین شده بود، در اختیار گرفت. در این روستا شورای ده توسط چند تن از اهالی زحمتکش و مومن به انقلاب تشکیل شده است و با نظارت هیئت هفت نفری در امر واگذاری زمین دخالت دارد. این انجمن مورد اعتماد و تأیید اهالی روستا است. برای مثال، شورا چندی قبل صندوقی جهت عمران دهکده ایجاد کرده بود که در مدت یک هفته روستائیان مبلغ ۲۵ هزار تومان به این صندوق وارز کردند. در این میان عوامل بزرگ مالک فراری نیز بیکارنمانده اند. آنها به گونه های مختلف وبا استفاده از شیوه ارباب سعی در سد کردن اقدامات انقلابی دارند. این افراد بویژه از اقدامات شورای ده ناراضی هستند و به همین علت چندی پیش ما در آقای حسینی، یکی از فعالین شورای ده را شبانه در باغ انگور، با ضربات چوب به قتل رساندند. قاتلین، پس از ارتکاب به قتل، از طرف پاسداران کرج دستگیر شدند و به زندان قزل حصار انتقال یافتند. متأسفانه تا زمان ارسال گزارش هنوز هیچ اقدامی از طرف مقامات مسئول برای محاکمه این چهارتن صورت نرفته است. عمال جنایتکار ارباب در رگان های دولتی نفوذ دارند. مثلا چندی

تامین آب و دفع آفات نباتی، مهمترین خواست برنجکاران

کشتا ورزی که محبت میکنی، میگوید: اگر فعلگی و کارگری میکردم، در این مدت درآمد بیشتر بود. حتی مزد خودمان هم در نیامده". کمبود آب، در فصلی که نیاز به آن بود و سپس آفات کمردهقانان را شکست است. امسال در اغلب مزارع، بویژه در منطقه نامبرده، باز هم گرم ساقه خوار، میسند کشتا ورزان را به پاس تبدیل کرده است. علاوه بر آن، به گفته کشتا ورزان نوعی آفت بنام "پلاست" پیدا شد، که قبل از اینکه خوشه برنج بطور

کامل جان گرفته باشد ساقه آنها سیاه میکند، در نتیجه خوشه پوچ و بی مغز و هستی گیاه از ریشه خشک میشود. کم آبی نیز امسال خسارات جبران ناپذیری به کشتا ورزان وارد کرده است. در حال حاضر اغلب اهالی این روستا از آب چاههای سطحی که غیر بهداشتی است، استفاده می کنند. مزارع برنج دهقانان نیز از آب رودخانه که بسیار گرم آب شده بودند، تا مین میشدند. کشتا ورزان تا بحال از دفتر امام وریاست جمهوری ووزارت کشتا ورزی جهت حل مشکلات خویش، مخموما در مسئله آب، استمداد کرده اند. برای داشتن محصول کافی و

روستائیان بزگدار علیا، منتظر ورود هیئت هفت نفری هستند

روستای بزگدار علیا از بخش در و مرغان ودر شرق کرمانشاه قرار دارد. در این روستا در حدود ۳۶-۴۰ خانوار (۲۱۲ نفر)، زندگی می کند. که از این تعداد ۶ خانوار خوش نشین هستند. ماوران هیئت ۷ نفری نام ۳۲ نفر از این خوش نشینان را برای واگذاری زمین به آنان ثبت کرده اند.

کل زمین های این روستا ۳۲ هکت (هر هکتار ۱۲ هکتار) است و مالک دهه ۸ هکتار زمین دارد. یک گروه ۶ خانواری، که قبلاً از زمین بیرون رانده شده بودند، شکایت کردند و در نتیجه در اثر کوشش جهاد سازندگی آن منطقه، ۱۶ خسرورار زمین به آنها اعلی گرفت. همچنین از طرف جهاد سازندگی ۲۴ خسرورار زمین به یک خانواده چهار نفری که زمینهای آنها قبلاً توسط مالک غصب شده بود، رسید.

جهاد سازندگی مقور کرده است، تا آمدن هیئت ۷ نفری، روستائیان باید زمین های مالک را بطور متاع کت کنند، که تصمیم عاقلانو بهجایی است و موجب اتحاد دهقانان و به دست آوردن محصول بیشتری می شود. دهقانان با اتحاد و حق طلبی خود و با کمک نهادهای انقلابی توانستند مالک بزرگ ده را به مدت ۹ روز به زندان اندازند، زیرا خرابکاری و نفاق انگیزی می کرد.

در این روستا حمام، آب لوله کشی، برق و مسجد وجود ندارد. اگرچه سال گذشته ۷۷ هزار تومان توسط مقامات مسئول برای برق کشی در این روستا داده شده است. جاده خاکی این روستا ۳ کیلومتر طول دارد. که در زمستان هارفت و آسماز آن قطع می شود. این روستا یک مدرسه با یک معلم و ۳ دانش آموز دارد.

شورای ده با عمومیت ۵ نفر (۳ نفر خوش نشین و ۲ نفر زارع) تشکیل شده است. همچنین ۲ نفر نمایندگان کشاورزان برای معرفی به هیئت ۷ نفری تعیین شده اند.

اتحاد عمل و روشن بینی دهقانان ضامن موفقیت آنهاست. باید از دست های کار جمعی و تعاونی استفاده کرد و از هیئت ۷ نفری خواست که واحدهای متاع ترتیب دهد. این کار و نامیسی آبی و حمام و برق و مسجد وسیله میهنی است. تا دهقانان نتوانند به وظیفه مهم خود در این شرایط حیاتی بوش امپریالیسم آمریکا عمل کنند و محمولات هر چه بیشتری را با کار تعاونی خود، بر روی زمین های که سلعن به خود آنهاست، بدست آورند.

خساراتی که از کمبود آب زندگی شدیدی موقع ویسا بدنیا آفت زندگی به مزارع برنج وارد شده است بدون شک برای دهقانان سنگین است. برداشت امسال برنج با مشکلاتی روبرو شد، که همه از آن با خبرند، ولی مهم آینده است. بعلت اهمیت تامین مواد معرفی که برنج نیز از جمله آنهاست باید این مشکلات را حل کنیم، تا نه با زارع عرضه کالای برنج مختل شود و نه آفت کشت آینده وزندگی دهقانان تارک



مضانلی کارگر روستائی در روستای طبر (بخش جاجرود) در حال آماده کردن گل برای تعمیر بام یک خانه روستائی است. با آنکه رمضانلی همراه پسر ۱۲ ساله اش، تمام سال کار می کنند، نمی توانند حداقل نیازهای خانواده را برآورده کنند. با حل مسائل زندگی این زحمتکش و ایجاد کارگاهها در روستاها، با استفاده از وسایل رشد و پیشرفت همه جانبه، به پیشرفت تولید زندگی روستائیان کمک کنید. در نبرد ما علیه امپریالیسم آمریکا و آلذخت او صدام، تقویت پشت جبهه ضرورت حیاتی دارد.

توده‌هایها آمادگی خود را برای جانبازی در راه میهن انقلابی

اعلام میدارند

و بسیج مستضعفین، قبلا آمادگی خود را بر همکاری همهجانبه در برابر توطئه‌های ضدانقلاب داخلی و خارجی اعلام داشته بود. اینک ما اعضا و هواداران سازمان جوانان توده ایران - اراک با توجه به منی اصولی و خلل ناپذیر حزب توده ایران، باردیگر بر این مهم اصرار می‌ورزیم و آمادگی خود را برای دفاع از جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌داریم و حاضریم تا پای جان دوش به دوش برادران پاسدار و ارتشی در جبهه‌یشت جبهه‌ها دشمن بمقابله برداریم.

راسر

سازمان حزب توده ایران در راسرین ضمن ارسال نامه‌ای به ارگان‌های انقلاب، آمادگی خود را برای جانبازی در راه دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران اعلام داشته. در این نامه ضمن بر شاردن کمک‌های مالی و جنسی که توسط اعضا و هواداران حزب توده ایران در راسر جمع‌آوری و برای ارسال به جبهه در اختیار نهد. های انقلابی گذاشته شده، آمده است:

در لحظات حساسی که بین ما و انقلاب بزرگ ما برهبری امام خمینی از سر بیگرفته کنگ و شاکت فرد فرد ما برای غلبه بر تجاوز نظامی دارو دست صدام حسین و غنیم گناختن توطئه آمریکا ضرورت و اهمیت دارد. دهها هزار تن از ایرانیان انقلابی و میهن‌دوست و از جمله تودمیا در جبهه‌های نبرد سراسر ایثار و حماسه، در سنگر های مقاومت و ایثار، مستقیما در جنگ رویاری با دشمن تجاوز و حامیان او - امپریالیسم آمریکا شرکت دارند، خون می‌دهند، و جان می‌سپارند تا از میهن انقلابی خود دفاع کنند.

ما اعضا و هواداران حزب توده ایران در راسر هواره آمادگی خود را برای تعلیم خون رزمی و ایثار به جبهه‌های جنگ به مسئولان اطلاع دادیم و هر آن منتظر جواب مسئولین هستیم تا بتوانیم در این جنگ عادلانه و میهنی، سهم بسزای خویش را به مردم، میهن و انقلاب شکیبند شد. امپریالیستی و خلقی و مولود آن جمهوری اسلامی ایران انا ناییم.

اراک

سازمان جوانان توده ایران در اراک نیز با انتشار اعلامیه‌ای، ضمن اشاره به توطئه‌های براندازی امپریالیسم آمریکا از یکسو و تشنات عوامل نهنان و آشکار امپریالیسم آمریکا در داخل ایران از سوی دیگر، آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و درهم کوفتن تجاوز رژیم صدام حسین - آمریکا به خاک ایران اعلام کرده‌است.

در این اعلامیه آمده است: "باتجاوز نظامی رژیم مزدور یعنی عراق به ایران، که در چهارچوب توطئه براندازی امپریالیسم آمریکا انجام می‌گیرد، خلق قهرمان ایران امروز بایگی از لحظه‌های سرنوشت‌ساز تاریخ خود روبرو است. مانه‌تها در قبال آینه‌ده میهنان، بلکه همچنین در برابر تاریخ خلقهای منطقه مسئولیت‌بزرگی بعهده داریم. اگر خلق قهرمان مادرین لحظه تاریخی از نبرد خونین با امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و متحدان و دستیاران و دست‌نشانندگانش پیروز درآید، که بی‌تردید پیروز درخواهد آمد، برگ زرینی در تاریخ مبارزات آزادی‌بخش خلقهای اسر خاور نوشته است. پیروزی در این نبرد مستلزم صداکاری است، اما صداکاری هنگامی به پیروزی می‌انجامد که از جنبه فردی بیرون آید و شکل توده‌ای و همگانی به خود بگیرد."

اعلامیه‌س یادآور شده است:

"در داخل لیب‌رها همزه با عوامل ضدانقلاب از یکسو، چپ‌نمایان و سرسپردگان به‌سرویسهای جاسوسی امپریالیسم از سوی دیگر و در خارج تمام دنیای سرمایه و زر و زور به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، باهم بر ضد انقلاب ایران همدستان شده‌اند. متارنگنه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، بر ما از هر سو افزایش می‌یابد. تجاوز نظامی همگانی رژیم یعنی عراق به ایران مرحله جدیدی از توطئه براندازی است."

در خاتمه اعلامیه آمده است:

"سازمان حزب توده ایران - اراک طی نامه‌ی ارسال به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

رژیم جنایتکار صدام حسین، آمادگی خود را برای شرکت در صحنه نبرد و مقابله با متجاوزین صدامی اعلام کرده‌اند. در این اعلامیه از جمله آمده است:

"هواداران حزب توده ایران در ضمن حاضرند در صحنه نبرد با متجاوزین یعنی - آمریکائی، درکنار پاسداران، درجه‌داران، سربازان و افسران غیور و تحت رهبری امام خمینی، با تمام وجود خود از جمهوری اسلامی ایران دفاع کنند."

همدان

سازمان حزب توده ایران در همدان با انتشار نامه سرگشاده‌ای خطاب به "ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در همدان"، آمادگی خود را برای شرکت در نبرد میهنی علیه تجاوز رژیم صدام حسین اعلام کرده است. در این نامه از جمله آمده است:

"اینک که میهن انقلابی و عزیز و پرافتخار ما مورد تجاوز و توطئه همهجانبه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا قرار گرفته، و رژیم مزدور و نهبکار یعنی عراق وظیفه سرکوب انقلاب و عاملیت براندازی جمهوری اسلامی ایران را بعهده گرفته است،

سازمان حزب توده ایران در همدان، به نوبه خود، بر اساس رهنمودهای مشخص کمیته مرکزی حزب، سندرج در اعلامیه مورخ ۵۹/۶/۲۱، با تمام نیرو و امکانات، آمادگی خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوز نظامی رژیم مزدور یعنی عراق و توطئه براندازی آمریکا، به آن نهاد گرانقدر انقلابی، که از بن انقلاب جوشیده و نقش عمده و اساسی در حفظ و تعمیق دستاوردهای انقلاب ایفا کرده و می‌کند،

اعلام می‌دارد، تا هرگونه ماموریتی را که فرمانده سپاه معین می‌دارد، اعم از همکاری در دفاع شهری، شناسائی عوامل ضدانقلاب، شرکت در ارتش بسیج، نگاهبانی از موسسات حیاتی شهر، امداد و کمک‌رسانی پزشکی و جز اینها انجام دهند."

بدنبال فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران برای شرکت گسترده اعضا و هواداران حزب توده ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در مقابل تجاوز رژیم صدام حسین - امپریالیسم آمریکا، سازمانهای حزب توده ایران آمادگی خود را برای شرکت در این جنگ میهنی اعلام کردند. علاوه بر آن دسته از سازمانهای حزبی که در نقاط مختلف کشور نیروهای خود را در اختیار سپاه‌های انقلابی گذاشته‌اند و اخبار آن در شماره‌های گذشته "نامه مردم" به اطلاع رسید، چند سازمان دیگر حزبی آمادگی خود را اعلام کرده‌اند. اخبار این سازمانها را، که قبل از تعطیل موقت "نامه مردم" بدست ما رسیده‌است، در زیر می‌خوانید:

بزازجان

سازمان حزب توده ایران در بزازجان طی نامه‌ای به مسئولان بسیج مستضعفان این شهر، آمادگی خود را برای شرکت در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن در مقابل تجاوزات رژیم صدام حسین اعلام کرده است. در این نامه آمده است:

"در شرایطی که دست امپریالیسم آمریکا از آستین صدام حسین جانی درآمده و کشور ما مورد هجوم نظامی قرار داده، ما هواداران حزب توده ایران در بزازجان به پیروی از منی اصولی حزب خود، که عبارتست از دفاع از جمهوری اسلامی برهبری امام خمینی آمادگی خود را برای دفاع از تمامیت ارضی ایران انقلابی را اعلام می‌کنیم و بدینوسیله به آگاهی می‌رسانیم که حاضریم در هر نقطه‌ای که مسئولان لارم بدانند، نایای جان اروطن و جمهوری اسلامی ایران دفاع کنیم."

خمین

هواداران حزب توده ایران در شهرستان خمین با انتشار اعلامیه‌ای ضمن اشاره به توطئه‌های امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه انقلاب ایران و تجاوز

وعده‌های کارتر و واقعیت

کارتر در جریان مبارزه انتخاباتی چهار سال پیش چه قول‌هایی که به مردم آمریکا نداد؟ به ادعای جمهوری خواهان "شماره این قول‌ها بیش از ۲۰۰ بود. ما در زیر تنها چند نمونه این "قول‌ها" را می‌آوریم و آن‌ها را با واقعیت‌های روزی ایالات متحده مقایسه می‌کنیم: قول کارتر: اگر به ریاست جمهوری انتخاب شوم... در عرض چهار سال بیکاری بزرگسالان را به ۳ درصد تقلیل (خواهم داد). واقعیت: در حالیکه چهار سال پیش ۷ میلیون نفر در آمریکا بیکار بودند، بموجب آمار سندیکایی، امروزه بیش از ۱۲ میلیون آمریکایی در جستجوی کارند. قول کارتر: بدون آنکه تورم پدید آید، تولید و اشتغال را افزایش (خواهم داد). واقعیت: چهار سال پیش نرخ تورم ۵/۸ درصد بود، اینک ۱۸ درصد است. کارتر: ... کسانیکه درآمد بیشتری دارند، مالیات گزاف خواهند

پرداخت. واقعیت: در سال ۱۳۵۵، زمینکشان با مالیات خود ۵۶ درصد خزانه فدرال را تامین می‌کردند، در بودجه سال جاری ۵۵ درصد آن را. کارتر: ... دوران سمی ترازی دیگری بر مدهاست. واقعیت: اینک ۳۰ درصد سیاهپوستان بی-کارند. این رقم در پنج سال گذشته رکورد به‌شمار می‌رود. کارتر: ... سیاست خارجی بر پایه قدرت نظامی و بافتار اقتصادی و سیاسی استوار خواهد بود. واقعیت: تقریبا همه مذاکرات در باره خلق سلاح قطع شده است. "سالت ۲" هنوز به تصویب نرسیده است. حضور نظامی آمریکا در سراسر جهان، از جمله در خلیج فارس، افزایش بی نظیر یافته‌است. در سال‌های گذشته، تنها در اروپای مرکزی ۶۰ هزار نفر به سربازان آمریکایی افزایش یافت.

این قافله را سر بازار ایستادن نیست...

تا لرزش دستان دژخیم را ببینم
نه، این قافله را سر بازار ایستادن نیست...
*
"خون شیرازی" برچهره شکنجه‌گر "تورج"؟
در خیابان اعدام شد
نه، این قافله را سر بازار ایستادن نیست...
*
پرچم بر خاک نمی افتد همیشه شهیدی هست تا بر خون و فریا دغوش آن را برافرازد...
نه، این قافله را سر بازار ایستادن نیست...
*
در سنگرهای خرمشهر عسکر فریاد می زند: - به پیش!
در سنگرهای آبادان تقی به خون خویش می‌غلتد
در سنگرهای وطن توده‌ای‌ها فریاد می‌زنند: - به پیش!
نه، این قافله را سر بازار ایستادن نیست...
*
"وارطان" فریاد می‌زند: - نه
"روزبه" می‌خروشد: - ای دیوان
"وزیربان" است این: - چشم‌ها هم را بیندید

اینک که بر کاغذ تاریخ قافله را مرور می‌کنی... هم اینک، آری سر بردار گوش کن!
در سنگرها کسانیکه بخاک می‌افتند قافله در راه است... گوش کن! گوش کن! فریادها در خون و باروت طغیان می‌کنند و در جا رسوی جهان منفجر میشود: - مرگ بر آمریکا! نگاه کن!
- جهان زیر پای سرمایه می‌لرزد...
*
دیروز صفر و حمید امروز تقی...
فردا ما...
ما برهروان قافله‌ای خونین که با خویش شقایق و آزادی به قله تاریخ میبرد
*
نه، نه، ای رفیق! ای همسنگر...
نه، این قافله را سر بازار ایستادن نیست...

بقیه از صفحه ۱

کننده و خون دادن ندارد. اما وقتی انسان بدنبال يك آرمان مقدس حرکت می کند، ایستادگی به او تلاشی و فداکاری را دستور میدهد پس باید فداکاری کند و یابداز جان خود هم بگذرد.

حجت الاسلام خامنه ای افزود: من از تهلل خدا را شکر کردم که در اهواز و در جبهه خوزستان دور از غوغای سیاست، پلزان را حمله و فرستاد، مشغول کار دیگری بودم و نبودم و انشالله هر چه زودتر باز پس از اقامه نماز و انجام کارهایی که دارم خواهم رفت تا این جوراً و این فضا را استنشاق نکنم.

امام جبهه تهران افزود: «آنهايي که منتظر بودند جمهوری اسلامی مثل شما همی خاموشی و ازین بیرون خودشان خاموش می شوند و الری از آنها باقی نماند»

حجت الاسلام خامنه ای گفت: شاه نگویند بخت اردن می گوید اگر صدام برود، ما هم رفته ایم، راست هم می گویند.

وی افزود: «برادران خواهان عزیز من توصیه من به شما، پس از این آیه قرآن، فقط يك جمله پیش نیست و آن جمله این است: سعی کنید، اتحاد و اتفاق و اتفاق خود را حفظ کنید... سعی کنید دچار دو مستکبر نشوید، نگذارید جریان اختلاف افکن وارد قشرهای مردم شود. بگذارد سیاست باز- های کهنه کار این کسانی که همه هم و غشتم همین مسائل بر ارزش است هر کار بخواهند بکنند، هر چه می خواهند بنویسند، شما ای ملت بزرگوار ای ملت مظلوم ای فدائوکاران صادق شما پایتان را از این اختلافات کنار بکشید، نگذارید شما را آلوده کنند، دیروز که من وارد تهران شدم، چند نفر از برادران در جلی جمع بودند از آنچه در روزنامه ها شدت ناراحت و نگران بودند. من از هیچ جا خبر نداشتم، شرح دادند چه روزنامه های، چه مسائلی را مطرح کرده اند و ذهن مردم را متشویش کردند... قدر بدانید بر کار بودن از بازیهای سیاسی را، نگذارید، این بازیهای سیاسی را توی بازار، توی قشرهای مختلف، توی کارخانجات، توی طبقات

شیطان بزرگ امریکا...

محصل، مخصوصاً توی دبستانها و دبیرستانها وارد کنند. حجت الاسلام خامنه ای در قسمت دیگری از خطبه نماز جمعه دیروز گفت: «امروز از بزرگترین گناهها احتکار است. مسواک مصرفی مردم ام از مواد غذایی و غیر غذایی را احتکار کردن، بیش از اندازه جمع کردن به منای از دهان دیگران گرفتن و به گلوئی خود ریختن است. دولت در مقابل احتکار باید با قطعیت عمل کند. وی افزود: در این حقت و هفته قبل شایعاتی وجود داشت مبنی بر اینکه روحانیون در کارهای جنگ دخالت می کنند. من صریحاً می گویم این مطلب دروغ است. در حد نظر دادن که هر انسانی نظر میدهد امروز دیگر دوران گذشته نیست که به مردم بگویم خفته باشید، اظهار نظر نکنید، يك سرباز می آید در مقابل فرماندهان اظهار نظر می کند. يك پاسدار ساده عادی می آید نقشه جنگی و طرح جنگی ارائه می دهد. يك افسر جزء راهبایی می کند که بسیار ذیقیمت است. مردم کوچک و بزرگ هم تا آنجا که اطلاعات و يك روحانی که بار مسئولیت دارند، حق دارند اظهار نظر کنند. سنگین هدایت و ارشاد مردم بر دوش اوست و درد دلها را می شنود و گزارشها را می بیند چرا نتواند اظهار نظر بکند؟ اظهار نظر می کند. اما دخالت بیجا و بیهوده. امروز حتی شورای عالی دفاع هم نسبت به ارتش فرماندهی نمی کند. این را بدانند مردم ایران، شورای عالی دفاع طراحی می کند، طرح می دهد ارائه طریق می کند، فرمانده شورای عالی دفاع نیست. نظامی هم فرماندهی فرماندهان خود را می پذیرد حق هم با اوست. باید همینجور عمل بکند. حتی من خودم یا اینکه از آغاز جنگ تقریباً الان بیش از يكماه و نیم است در جبهه هستم با برادران نظامی با فرماندهان با طبقات پایین تر با پاسداران یا داوطلبان دانشا در تماس هستم هرگز فرمان نظامی به احدی ندادم. با اینکه مشاور امام و عضو شورای عالی دفاع به نوبت امام

در بین روحانیت فکرها، سلیقه های گوناگونی وجود دارد. اما آنها که می گویند، روحانیت را می گویند کار به سلیقه ها و فکر- های مختلف ندارند. يك روحانی مخالف تقسیم اراضی است يك روحانی طراح تقسیم اراضی است، آن که می گوید هر دو را می گوید. يك روحانی موافق بسا انتشار هزارها روزنامه در مملکت است، يك روحانی عمل بقیه مردم معتقد است که باید تعداد روزها را کم کنند. يك روحانی مخالف است هر دو را می گوید، يك روحانی از لحاظ سیاسی با آن شخصیت موافق است. روحانی دیگر بمکس یا آن شخصیت مخالف است با آن شخصیت موافق است. آنهايي که روحانیت را می گویند هر دو را می گویند، از این نتیجه می گیریم که يك دستی يك جریانی عمیقاً سوسیالیست روحانیت را می گویند، برایش فرقی نمی کند یا چه جیتی، علتش هم معلوم است. علت اینست که رابطه بین روحانیت و مردم يك رابطه طبیعی است. يك رابطه قراردادی نیست. این اجتماعاتی

کردن زندانها از آنها، قتل آغاز کار بود. بدنبال آنها - چنانکه تجربه تاریخ بارها و بارها نشان داده است - نوبت به دیگر نیرو- های مترقی رسید. رژیم صدام حتی ۲۲ نفر از اعضای رهبری حزب بعث را، که با جنایات صدام مخالف بودند و نمی خواستند وطنشان به مراده امپریالیسم بسته شود، به جوشه اعدام سپرد. این جنایات، همزمان با یورش و سرکوب توده های خلق، بویژه شیعیان و کردها بود.

چنانکه شیوه همه جباران تاریخ است، صدام به تکاپو افتاد

که امروز در مقابل ملست مال امروز نیست. من خودم سالیها سالت که با اجتماعات طبقی مثل اجتماع شما روبرو هستم. قبل از پیروزی انقلاب در دوران شدت اختناق هر جا ماها بودیم اجتماع مردم بود. حجت الاسلام خامنه ای افزود: مردم در خانه روحانیونی که مسئولند... برود و با آنها تماس می گیرند این رابطه بین مردم و روحانیت است، دشمن از این ناراحت است آن که دلش می خواهد این انقلاب روی نوش مردم باشد، آن که دلش می خواهد دست و پستی مردم لفظول، که مردم را فصول می دانند، از میدان سیاست میدان اندازد این انقلاب جمع بشود، آن که دلش می خواهد مردم فقط اطاعت کنند باشند، امروز که رویش می شود این حرف را بزند، امروز که هیچکس جرئت نمی کند با مردم این چنین حرف بزند و صحبت کند، امروز مردم همه در میدانند، در صحنه اند اما از این راه وارد می شود. روحانیت را از صحنه کنار بزنند. بگویند و بگویند و بگویند تا ۴ تا روحانی که به دستور امام و به نوبت امام - هر کدام از ماها، از این روحانیون يك مسئولیتی داریم خوشبختانه به دستور و به نوبت خود امام است، یعنی غالباً اینجور است - همین چند نفر روحانی که مسئولیت به نوبت امام دارند، اینها خسته میشوند، ناراحت میشوند، قهر میکنند و بروند کنار. میدان خالی شود ما از میدان کنار رفتن را مایه راحتی خودمان می نماییم. اما من در ۲-۳ ماه قبل خدمت امام عرض کردم، ما این را فرار از ضعف می دانیم، فرار از ضعف یعنی پشت کردن به میدان مبارزه و جهاد و این از گناهان کبیره است. برای مسئولیت، برای ادای تکلیف برای حفظ فرمان امام، برای اینکه بتوانیم حتی اقامه کنیم و باطلی را احاطه کنیم، اما آنهايي که می گویند، فقط روحانیون مسئول را نمی گویند، حتی روحانیونی که مشغول کار ارشاد، تبلیغ و هدایتند حتی آنها را، حتی به آنها ایضا می کنند. این يك جریانی است، مردم هوشیار باشند»

مناطق مسکونی، مدارس و بیمارستانها را ویران می سازند و مردم غیر نظامی، زنان و کودکان و پیران را هدف اصلی گلوله های خود قرار میدهند.

اکتون، در فضای ایران، طنین خروشان و خشمگین صادران، پدران، هسران و کسودگان جاریست، که بستگانشان قربانی جنایات صدام شده اند.

ولی جنایات صدام هر قدر ادامه یابد و دامنه آن هر قدر وسیعتر باشد، رژیم صدام بیشتر و بیشتر در منجلاب جنایت فرو خواهد رفت.

آنچه دیویس:

آمریکا تلاش می کند توجه عمومی را از مسائل سر نوشت ساز جهان منحرف کند

آنچه دیویس میزند برجسته سیاست آمریکا و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست این کشور، تلاشهای دول غربی را برای خرابکاری در کنفرانس همکاری و امنیت اروپا در مادرید، محکوم کرد. آنچه دیویس گفت آمریکا تلاش دارد توجه عمومی را از مسائل مهم، مانند گسترش روند تنشزدایی، خلع سلاح و جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی منحرف کند. وی یادآور شد اینها مسائل است که به سر نوشت همه بشریت مربوط می شود.

مدافعان انقلاب...

بقیه از صفحه ۱

- ۱- حداقل ۷۵ درصد از خودرها، تانکها و تاسیسات پادگان یاد شده،
۲- ناپدید کردن ۲۰ درصد از تاسیسات و تجهیزات پادگان حلبچه در شمال شرقی عراق،
۳- منهدم کردن تاسیسات رادار بلافاصله و يك ابار مهمات، سه پاسگاه و يك پل نظامی در جنوب غربی صوفا در شرق سلیمانیه،
۴- انهدام چند دستگاه تانک و دو کامیون در شرق سلیمانیه،
۵- انهدام چند سنگر، دو دستگاه کامیون و يك قطارک در شمال العیلبا در اطراف صفایه،
۶- حمله به تاسیسات نفتی فار و اسکله فار در جنوب شرقی عراق،
۷- حمله به بندر القاصر و بندر بشاری و پایگاه دریایی دشمن در جنوب شرقی عراق و يك کتل مخابراتی در هسسان منطقه، که میزان آسیب وارده ۳۰ درصد بوده است،
۸- ناپدید کردن ۲۰ دستگاه کامیون و تریلی با حداقل ۴۰ نفر از سرنشینان آنها در اطراف صفایه در شرق عراق،
۹- انهدام دو دستگاه رادار متحرک، يك قطار حامل سوخت و يك دستگاه مانع گز در جنوب بصره،
۱۰- انهدام صد درصد ۱۲ دستگاه تانکر بنزین در گمرک صفوان در جنوب بصره،
۱۱- حمله به تاسیسات نفتی گمرک صفوان و کالاهای شیمیایی موجود در این گمرک،
۱۲- ضما در ساعت ۱۹:۳۰ چهارشنبه شب، يك فروند هواپیمای میگ متجاوز عراقی، توسط پدافند نیروی ارتش جمهوری اسلامی ایران مستقر در بوشهر، مورد هدف واقع و سرنشود شد.

در عملیات درون مرزی، حمله به نیروهای تعداد گتی دشمن در شمال بستان و وارد کردن خسارتی به میزان ۷۰ درصد و حمله به نیروهای زرهی و توپخانه متجاوزان یعنی، در محور جنوب شرقی آبادان جزو عملیات است. دفتر مرکزی خبر نیز به نقل از يك مقام مسئول در ستاد عملیات آبادان، گزارش داد که نیرو- های رزمنده جمهوری اسلامی ایران از بعد از ظهر چهارشنبه تا ظهر پنجشنبه، با آتش توپخانه خودمواضع و سنگرهای متجاوزین را در جبهه آبادان درهم کوبیدند، بنا به همین گزارش، مدافعان قهرمان جمهوری اسلامی ایران موفق شدند در انجام يك عملیات هبانهک و قبرمانانه، ضمن

ادامه پاکسازی نخلستانها شمال رودخانه بهمنشیر، دشمن را چند کیلومتر به عقب نشینی وادار کنند، طبق همین گزارش پلیت تلفات بسیار نیروهای دشمن، آمار دقیقی از آنها وجود ندارد. همچنین بر پایه اخبار اعلام شده توسط صدای جمهوری اسلامی ایران رزمندگان انقلاب ایران چهارشنبه شب، مواضع دشمن را در محور جاده آبادان- ماهشهر هدف آتش خود قرار دادند و تلفاتی به دشمن وارد کردند. از خاک عراق در آسوی اروند رود نیز دشمن با توپخانه دوزخ مناطق مسکونی آبادان را بشدت زیر آتش قرار داد.

خبرنگار خبرگزاری پارس به نقل از سخنگوی امدادگرسان آبادان شمار شهدای (چهارشنبه شب) این شهر را ۱۲ تن و شمار مجروحان را ۲۱ نفر گزارش کرده است. از سوی دیگر گزارش رسیده حاکیست که مواضع دشمن در خونین شهر نیز از (چهارشنبه تا ظهر پنجشنبه) زیر آتش شدید توپخانه قرار دارد.

طبق گزارشهای دفتر مرکزی خبر و خبرگزاری پارس، به نقل از استاندار ایلام، چهارشنبه، مبارزان دهنان و رواتر جمهوری اسلامی ایران، در يك نبرد شجاعانه، ۴۵ نفر از مزدوران زب کوهستانی دشمن را در جنوب غربی چنگله در جبهه مهران به هلاکت رسانند و تجهیزات آنها را کاملاً نابود کردند.

خبرنگار خبرگزاری پارس به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرمانشاه گزارش داد که روز چهارشنبه در نبردی که میان نیروهای انقلاب و مزدوران دشمن در منطقه ریجاب واقع شد ۸۵ نفر از مهاجمین کشته و ۴ نفر دیگر مجروح شدند. در این جنگ همچنین يك آشیانه توپ و يك تانکر حامل سوخت دشمن، منهدم شد. طبق همین گزارش و در نبرد دیگری که میان پاسداران انقلاب اسلامی و فدائیان امام خمینی از یکسو و مهاجمین بعث از سوی دیگر در منطقه ریجاب روی داده، دشمن مجبور به عقب نشینی شد. خبرگزاری پارس از کرمانشاه نیز گزارش میدهد که دلاوران بسیج مشایری اسلام آباد که در جبهه گیلان غرب مستقرند، در يك عملیات که با هبانهک سپاه پاسداران در این جبهه انجام شد، پس از به هلاکت رساندن چند نفر از دشمنان انقلاب، يك دستگاه جیب، قضا سلحه کلاشینکوف و همچنین بیسیم مخابراتی آنها را به غنیمت گرفتند.

تنظیم امر توزیع مواد ضروری کاری است لازم و درست

اقدامات لازمی که دولت جمهوری اسلامی ایران در تنظیم امر توزیع مواد فوق‌العاده ضروری و کثیر-الصرف، نظیر انواع سوخت یا خوارباری چون قند و شکر معمول داشته، یا حسن تقاضای هم مردم رزمنده، انقلابی، آزادیخواه و میهن‌دوست کشور رویرو شده است.

جمهوری اسلامی ایران در حال جنگ است، جنگی که امپریالیسم جهانخواه آمریکا بوسیله رژیم مزدور صدام تکریتی نما تمهیل کرده است. کشور ما که هنوز از مصائب طاق‌فروشی طاعون‌داری آمریکا و عواقب فلاکت‌بار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن کاملاً خلاص نشده بود، از درون و بیرون دچار هجوم گسترده و همه‌جانبه امپریالیسم غارتگر و مکار، سرگردگی آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن گردید. جنگ تجاوزکارانه رژیم ستمگر صدام تکریتی تنها مرحله‌ای از این هجوم گسترده است. طبیعی است که بدون این تجاوز نظامی نیز، نوسازی بنیادی جسمانه و پاکسازی انقلابی همه نهادهای اجتماعی از نفوذ عمیق و خانمان-برانداز امپریالیسم، خود کاری است بس دشوار، که به طاقیت انقلابی، هوشیاری پیوسته و مبارزه و تکمیل نهادهای انقلابی و همه مردم رزمنده احتیاج دارد.

پیش از این جنگ تجاوزکارانه، خانمانه و تحمیلی، در دوران

در جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس:

از تقویت پشت جبهه نباید غفلت شود

• امکانات لازم کشت را در اختیار کشاورزان قرار دهید • توضیحات رئیس دادگاه سعادتی در مجلس

تکریدید؟ چطور این عدالتخواهی فقط به یک فتوای، یک سرمایه‌دار و یک گروه سیاسی خاص می‌رسد؟ خوب گردید اعتراض کردید، ولی چطور شد در موارد دیگر حرفی نزدید؟ اگر قبلاً گفته بودید ما از شورای تکلیفان می‌خواستیم مسئله را روشن کنند، من می‌گویم همه باید در نظر ما مساوی باشند و هر کس مورد قتل قرار گیرد، از او دفاع شود.

دستگیری ماشاءالله قصاب

موسوی تبریزی سپس ضمن تشریح چند اصل قانون اساسی در ارتباط با این مسئله، خواستار اعلام نظر شورای تکلیفان قانون اساسی در این مورد شد.

وی سپس اعلام کرد که در ارتباط با شکایت سعادتی، ماشاءالله قصاب دستگیر شده است و بزودی محاکمه خواهد شد. او سپس در ارتباط با این سؤال که: چرا این دادگاه علنی نیست، به مطالب روزنامه‌ها استناد کرد و گفت:

«خبرنگاران روزنامه‌های داخلی و خارجی و خانواده متهم در این دادگاه شرکت می‌کنند که جای این غیر علنی است» سخنان دیگر قبل از دستور امامی کشالی بود، او ضمن سخنانی به پیروزی انقلاب، تفسیر رئیس جمهوری آمریکا و نیازهای روز مملکت اشاره کرد.

پس از پایان سخنان امامی کشالی، رئیس مجلس به واقعه تاسف‌انگیز فوت خواهر امام خمینی اشاره کرد و به ایشان تسلیت گفت. آنگاه مجلس وارد دستور شد و بررسی طرح قانونی اداره هدایا و سیاهی جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید. در این زمینه مواد ۲ و ۱۰ این طرح مطرح گردید. ابتدا ماده ۱۰ طرح شد و چند موافق و مخالف در این مورد صحبت کردند. سپس اصل ماده ۱۰، که مربوط به مسئولیت شورای سرپرستی در برابر مجلس است به تصویب رسید. آنگاه ماده ۲، که مربوط به نحوه انتخاب نمایندگان قوای سه‌گانه است مطرح شد.

قبل از بحث در مورد این ماده، مجلس بمدت ده دقیقه برای تنفس تعطیل شد، لیکن پس از این مدت جلسه مجلس غیر علنی شد و مجلس به این صورت به کار خود ادامه داد.

در جلسه علنی روز پنجشنبه مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد، یکی از نمایندگان خواستار کمک به کشاورزان جهت تولید محصولات کشاورزی لازم برای کشور شد.

در آغاز این جلسه نایق نوری، اولین سخنران پیش از دستور، ضمن بررسی شرایط کنونی کشور اظهار داشت: «ما هرگز سکوت نخواهیم کرد، برای ما جنگ و دادن مال و شهید مسئله نیست، اما مسئله‌ای که باید به آن اشاره کنیم، مسئله پشت جبهه است. عزیزان ما در جبهه می‌جنگند و سخلوفاکنده جان می‌دهند، ما از تقویت آن جبهه و پر کردن خلأهایی که در آن‌جا پیش می‌آید، نباید غفلت کنیم»

وی سپس به لزوم رسیدن به مرز خودکفایی در کشاورزی اشاره کرد و گفت:

«به دنبال دستور امام و آیت‌الله منتظری، وزارت کشاورزی باید امکانات در اختیار کشاورزان بگذارد. باید شعار داد. هیت‌های ۷ نفری می‌گویند نست ما بست است و نمی‌توانیم کار کنیم. زمین‌هایی را که پارسل جزء جنگلی‌های مخروبه بوده، اینها آباد کرده‌اند، ولی امسال از آنها شکایت کرده‌اند. حالا این کشاورز کجا را باید آباد کند یا کدام زمین؟ زمین‌داران بزرگ، زمین‌ها را بایر گذاشته و رفاه‌اند. کشاورزان این زمینها را کاشته‌اند و حالا همه آنها را به دادگما کشته‌اند. چیر را کشت کنند؟! به کسانی وام کشاورزی داده می‌شود که سند داشته باشند همین که اعلام بکنیم، کافی نیست. وام را تجار می‌گیرند تا در تجارتخانه‌هایشان بر سرمایه‌شان یافزایند و آنوقت کشاورزان با پای گل آلود دست خالی می‌مانند»

نایق نوری سپس خواستار رسیدگی سریع به این مسئله شد. موسوی تبریزی، دومین سخنران این جلسه، در زمینه دادگما‌های انقلاب و شرکت خود در دادگاه پهنوان قاضی سخن گفت. او که به دنبال اعتراض بعضی از نمایندگان به شرکت نماینده قوه مقننه در امری که مربوط به قوه قضائیه است، صحبت کرد، از جمله اظهار داشت:

«من از آغاز مجلس، هم اینجا بودم و هم در دادگاه تبریز و هم قاضی شرع در جریان سینما رکس آبادان بودم. چرا آموخت صحبت

از گفتگوی که چند روز پیش با دو نفر از خبرنگاران اروپایی داشتیم، دو نکته جالب را برای خوانندگان نامه مردم، بازگو می‌کنیم:

خبرنگاری که در هفته‌های آغاز تجاوز نظامی رژیم صدامیه ایران در عراق بوده، می‌گفت: «روزهای اول، سازمان اطلاعات عراق هر روز وعده میداد که در ساعت و حداکثر یکی دو روز آینده، سروشت جنگ برابر حمله به عراق تعیین خواهد شد دولت جمهوری اسلامی ایران به‌زود در خواهد آمد ولی هر روز که می‌گذشت، ادعاهای تحقیر پیدا میکرد و برعکس، تبلیغات دروغ علیه ایران افزایش می‌یافت. منجمده مامورین اطلاعات عراق اصرار زیادی داشتند تا خبرنگاران را وادار کنند که دربارهٔ حملات هوایی ایران به نقاط مسکونی شهرهای عراق، اخباری به خارج بفرستند»

این خبرنگار می‌گفت: «در یکی از بلندترین ساختمان‌های بغداد، زندگی میکردم و شاهد بودم که هواپیماهای جنگی ایران، که در ارتفاع بسیار کم پرواز میکردند، تقریباً از جلو پنجره اتاق من با سرعت برفی عبور میکردند، و من هرگز نتواندم که در مناطق مسکونی بغداد بمبی انداخته باشند»

این خبرنگار می‌گفت: «عراقی‌ها هرگز جانی را به ما نشان ندادند که شاهدان این ادعایان باشند. روزی همه خبرنگاران را به بصره دعوت کردند و هر چه به ما نشان دادند خرابی‌هایی بود که برای بمباران هدفی نظامی وضعی موجود آمده بود. در پایتخت که خبرنگاران را پذیرائی میکردند، تعدادی اسیران ایرانی هم بودند»

خلبان جوان ایرانی:

ما با مردم عراق نمی‌جنگیم و هرگز نقاط مسکونی شهرها را بمباران نخواهیم کرد

مشروح و واقع‌بینانه در جهت محکوم کردن تجاوز عراق و جنایاتی که ارتش عراق درونمی‌اشناسی خود در ایران انجام داده به اطلاع ایوه شنوندگان رساندند. همانند سفارت عراق برای تحریف کردن این توضیحات، که از عیبی در شنوندگان باقی گذاشته بود، از این شگرد استفاده کرد که حملات خود را صرفاً متوجه نایبانه کمونیستی عراقی کرد و گفت:

«من دربارهٔ گفتارهای شما در ایران و خبرنگاران ایتالیایی حرفی ندارم، گرچه آنها حقیقت را بازگو نکردند. ولی نمی‌توانم تفر خود را نسبت به این سخنان عراقی، که بجای دفاع از میهن خود، در خارج از کشور پسر میرود و علیه کشور خود تبلیغ میکند ابراز ندارم»

این گفتار تحریک‌آمیز، عصبانیت توده شنونده را علیه عراق متجاوز شدت برانگیخت. چند نفر از مبارزان قدیمی کمونیست ایتالیایی اجازه صحبت خواستند و یک زبان تجاوز عراق را محکوم کردند و گفتند: ما هم در دوران

ایرانی، در خبرنگاران واقع‌بین خارجی‌تالری عیبی پیدا گذاشته خبرنگار افزود:

«عراقی‌ها پس از آنکه دیدند دم گرم‌ترین برادر سردخبرنگاران اری ندارند، خیلی زود عذر ما را خواستند و روانهٔ کشورهایمان کردند»

گفتگوی دوم ما با دوست خبرنگاری از ایتالیا بود، او می‌گفت: «فکر عمومی مردم سوادروپای غربی، برای تجاوز عراق به ایران بطور چشمگیری به سود ایران تغییر یافته است» در این ارتباط، خبرنگار از یک گروه‌آمی در یکی از محلات شهر رم ترمیف می‌کرد:

«ما به خواست مردم آن منطقه، از طرف حزب کمونیست ایتالیا یک گروه‌آمی عمومی برای توضیح جنگ میان عراق و ایران تشکیل گردید. بعنوان سخنران، یکی از خبرنگاران ایتالیایی، که از عراق دیدن کرده بود، نماینده سازمان حزب توده ایران در ایتالیا، نماینده حزب کمونیست عراق در ایتالیا، در جلسه شرکت داشتند. سفارت عراق هم، که از ایمن گروه‌آمی اطلاع یافته بود، یکی از دبیران سفارت و چند نفر از مأمورین خود را فرستاده بود. هم خبرنگاران ایتالیایی و هم نمایندگان حزب توده ایران و حزب کمونیست عراق توضیحاتی

هر قدر ما اصرار کردیم به ما اجازه دهند که با این اسیران صحبت کنیم، عراقیها زیر بار نرفتند در همان ساعاتی که در آنجا بودیم، هواپیماهای نیروی هوایی ایران حملاتی به شهر بردند و در این حمله، پس از بمباران ناحیه بندری یکی از این هواپیماها مورد اصابت قسام گرفت. پس از یک ساعت خلبان این هواپیما را، که اسیر کرده بودند، به پایگاهی آوردند که ما مخبرین در آنجا بودیم. باز هم مأمورین اطلاعات عراق می‌خواستند در مز ما خبرنگاران فرو کنند که گویا هواپیماهای ایرانی نقاط مسکونی شهر را بمباران کرده‌اند»

«هیئتک المبر خلبان اسیر ایرانی، که جوانی ۳۳-۳۴ ساله بود و با قدم‌هایی پر از غرور ۳۴ برمی‌داشت، با نزدیک شدن یکی از خبرنگاران فرصت را غنیمت شمرد و بدون اجازه مأمورین عراقی به او نزدیک شد و به زبان انگلیسی از او سؤال کرد: «آیا درست است که شما نقاط مسکونی را بمباران کرده‌اید؟» خلبان جوان ایرانی بزبان انگلیسی پاسخ داد: «ما با مردم عراق نمی‌جنگیم و هرگز نقاط مسکونی شهرها را بمباران نخواهیم کرد» این خبرنگار می‌گفت: «این جمله کوتاه این خلبان

توجه!

نوشته‌های زیر، که در شماره‌های اخیر نامه مردم، بجای رسیده است، برای مطالعه ویژه رفا توصیه میشود:

- نورالدین کیانوری: «پرسش و پاسخ» (شماره‌های ۳۶۵-۳۶۴):
- کس‌ها: روند تاریخ بازگشت‌ناپذیر است (شماره ۳۶۸):

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز:
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۲۸
(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 371
15 November 1980

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۴۱/۳۵۸۱، منطقه
۱۴ پستی تهران